



جنگ و خشکسالی
در غرب افغانستان؛

بیش از هشت هزار خانواده
به هرات آواره شده‌اند



به دلیل مخالفت محقق، هواپیمای حامل مرادعلی مراد از آسمان شهر نیلی برگشت

اطلاعات روز: قرار بود مرادعلی مراد، والی تازه تعیین شده‌ی دایکندی دیروز رسماً معرفی و به کارش آغاز کند، اما هواپیمای حامل او از آسمان نیلی، مرکز ولایت دایکندی برگشته است...

صفحه ۲

سخن گوی قوای مسلح:

به زودی مناطق از دست رفته
پس گرفته می‌شود



صفحه ۲

پروازها از افغانستان به مقصد کشور سومی از طریق امارات متحده‌ی عربی از سر گرفته شد

صفحه ۲

یادداشت روز

حمله به قلب جغرافیای حکومت؛ چرا بازپس‌گیری مالستان تعیین‌کننده است؟

پس از روزها هشدار درباره‌ی خطر سقوط ولسوالی مالستان و چندین روز مقاومت و درخواست مکرر برای ارسال نیرو، تجهیزات، کمک نظامی و حمله بر تجمع طالبان در نواحی مرزی مالستان، سرانجام مرکز این ولسوالی به دلیل بی‌توجهی حکومت در فرستادن نیرو و توجه فوری سقوط کرد. مالستان در طول سال‌های اخیر از جمله امن‌ترین ولسوالی‌های ولایت غزنی بود. ولسوالی‌ای که به شدت مورد توجه گروه طالبان در غزنی بود.

با توجه به تجربه سقوط سایر ولسوالی‌ها در کشور و معامله‌های پیدا و پنهان برخی افراد و گروه‌ها در جهت واگذاری ولسوالی‌ها، همچنین عدم ارسال نیرو و حمایت از سوی دولت و در نهایت بحران رهبری نیروهای امنیتی، سقوط پی‌درپی ولسوالی‌ها این روزها چندان دور از ذهن نیست. اما سقوط ولسوالی مالستان از این زاویه مهم است بی‌توجهی دولت به ندای کمک و درخواست مردم در آن دوباره تکرار شد...

۲

عفو بین‌الملل:

تیرباران کماندوهای ارتش توسط طالبان در فاریاب جنایت جنگی است

به دنبال نشر یک ویدیو توسط شبکه‌ی خبری «سی‌ان‌ان» از به رگبار بستن کماندوهای ارتش توسط گروه طالبان در ولایت فاریاب، سازمان عفو بین‌الملل این اقدام طالبان را جنایت جنگی خوانده است. سازمان عفو بین‌الملل دیروز (چهارشنبه، ۲۳ سرطان) با نشر اعلامیه‌ای گفته این رویداد نشان می‌دهد که ادعای طالبان در مورد اینکه نسبت به گذشته تغییر روش داده‌اند، کاملاً دروغ است.



صفحه ۲

ترجمه ۴

نظریه سیاسی کمک‌های خارجی

خود هدف است و مستقل از سیاست خارجی توجیهات خاص خود را دارد. از این دیدگاه، کمک‌های خارجی انجام تعهدات چند کشور ثروتمند در قبال بسیاری از کشورهای فقیر است. از سوی دیگر خیلی‌ها هیچ توجیهی برای سیاست کمک خارجی نمی‌بینند. آن‌ها کمک‌های خارجی را به عنوان یک کار بزرگ بی‌ارزش...

از میان نوآوری‌های ظاهری و واقعی که عصر مدرن وارد سیاست خارجی کرده است، هیچ یک پیچیده‌تر و مبهم‌تر از کمک‌های خارجی برای درک و عمل نیست. این فرضیه که کمک خارجی ابزار سیاست خارجی است، موضوع جنجال‌برانگیزی است. زیرا از یک سو این تصور عمومی وجود دارد که کمک‌های خارجی به خودی

تحلیل ۷



بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای ارزهای دیجیتال در افغانستان

ارز دیجیتال یک شکل از پول الکترونیکی است. بیشتر ارزهای دیجیتال به منظور امنیت بیشتر، حذف واسطه‌ها و ناشناس بودن طراحی شده‌اند. ارزهای دیجیتال، ارزی هستند که از رمزنگاری برای انتقال در اینترنت استفاده می‌کنند، رمزنگاری‌های ارزهای دیجیتال...

ترجمه ۳

نگاه استراتژیک چین به افغانستان (۱)

با نزدیک شدن خروج نیروهای امریکایی، آینده‌ی افغانستان نامطمئن‌تر از هر زمانی به نظر می‌رسد. چین، به عنوان همسایه‌ای که منافع قابل توجهی در این کشور دارد، آینده‌ی افغانستان را چگونه می‌بیند و چه آمادگی برای آن دارد؟

از ۱۱ سپتامبر تا کنون، حضور نظامی امریکا در افغانستان چین را با معمای دشواری روبه‌رو کرده است. از یک سو، بیجینگ نیروهای امریکایی در عقب‌خانه‌ی خود را همچون یک تهدید جدی استراتژیک دیده است؛ اما در عین حال، چین به این باور است که از امنیت که امریکا در افغانستان به وجود آورده، به‌ویژه در زمینه‌ی مهار رشد و گسترش گروه‌های دهشت‌افکن ضدچین، سود برده است. پیامد این معما این است که چین خواهان خروج امریکا است، اما تنها در صورتی که این خروج «مسئولانه» باشد و سبب خلاء قدرت و...

۳



بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



و مسأله ادامه بحران رهبری در نیروهای امنیتی و نظامی را به‌خوبی نمایان می‌کند.

اما پرسش این است که ولسوالی مالستان اگر سقوط کند پس از آن چه اتفاقی می‌افتد؟ واضح است که ولسوالی جاغوری عملاً در معرض سقوط قرار می‌گیرد. طالبان اگر به این ولسوالی حمله نکنند، می‌توانند آن را با محاصره اقتصادی سقوط دهند. همچنین این قصبه برای ولسوالی ناور هم صادق است. سقوط این ولسوالی‌ها عملاً راه طالب را به هزاره‌جات باز می‌کند و زمینه‌ی حضور آنان را به حیاط‌خلوت قلمرو حکومت یعنی هزاره‌جات می‌گشاید.

اگر نقشه افغانستان را ببینیم هزاره‌جات، بزرگ‌ترین قلمرو و جغرافیایی است که در دست حکومت باقی مانده است. بقیه‌ی کشور یا تحت تصرف گروه طالبان است یا جنگ بر سر آن جریان دارد. به جز این قلمرو، تسلط حکومت بر بقیه کشور، یکپارچه نیست و مثل نقاطی پراکنده در دست حکومت می‌ماند. اما پرسش این است که چرا هزاره‌جات برای حکومت می‌تواند مهم باشد؟ جغرافیای هزاره‌جات عملاً آبروی حکومت بر ادعای اراضی است. هزاره‌جات بزرگ‌ترین سرمایه و دست‌مایه‌ی جغرافیایی حکومت به‌صورت یکپارچه از نظر وسعت است که می‌تواند در مذاکرات سیاسی دولت با طالبان نقش مهمی داشته باشد. مالستان، جاغوری و ناور از این جهت مهم‌اند که به نوعی دهلیز هزاره‌جات محسوب می‌شوند. و خطر سقوط و تسلط طالبان بر آن‌ها یعنی خطر از دست‌رفتن یک جغرافیای یکپارچه و منسجم که در صورت سقوط آن ما با دولتی بدون بی‌جغرافیا مواجه خواهیم بود. بی‌جغرافیا بودن دولت این خطر را دارد که در مذاکرات سیاسی به‌دلیل نداشتن جغرافیای منسجم و یکپارچه، عملاً نتیجه مذاکرات به نفع طالبان تغییر کند.

حکومت صرفاً نمی‌تواند تنها بر شهرها حکومت کند و تسلط بر شهرها به معنای حاکمیت و دست‌بالا داشتن در مذاکرات سیاسی نیست. بنابراین جغرافیای هزاره‌جات، برگ برنده‌ی حکومت در گفت‌وگوهای صلح و مذاکرات سیاسی است. به همین دلیل ایجاب می‌کند حکومت برای حفظ بقای خود و همچنین حفظ جغرافیای خود در اقدامی فوری، وضعیت را به کنترل خود درآورد. بنابراین باید هرچه سریع‌تر به مالستان قطع‌ات خاص ارسال شود، حملات هوایی صورت بگیرد تا دوباره مالستان پس گرفته شود. بازپس‌گیری مالستان می‌تواند جبهه و نیروی طالبان را در دهلیز هزاره‌جات در نطفه خفه کند و انگیزه مضاعفی را به نیروهای امنیتی و نظامی کشور در سایر نقاط ببخشد. همچنین در یک اقدام استراتژیک، حکومت باید با تدابیر و چینش نظامی ویژه، هزاره‌جات را تبدیل به دژی استوار در مقابل حملات طالبان کند.

تغییر و تحولات در سطح رهبری برخی ولایات هزاره‌نشین (سپردن ولایت دایکندی به یک نظامی باتجربه و بامیان به یک مدیر باتجربه) اقداماتی مفید در راستای حفظ جغرافیای هزاره‌جات است. اقداماتی که می‌تواند بقای حکومت را در این جغرافیا تضمین کند. تدبیر حکومت برای حفظ و بقای هزاره‌جات می‌تواند برای سراسر کشور، روحیه‌بخش باشد که در صورت پیروزی نیروهای نظامی می‌توان آن را سرآغازی برای شکست طالبان قلمداد نمود.

اطلاعات روز: به‌دنبال نشر یک ویدیو توسط شبکه‌ی خبری «سی‌ان‌ان» از به‌رگبارستن کماندوهای ارتش توسط گروه طالبان در ولایت فاریاب، سازمان عفو بین‌الملل این اقدام طالبان را جنایت جنگی خوانده است.

سازمان عفو بین‌الملل دیروز (چهارشنبه، ۲۳ سرطان) با نشر اعلامیه‌ای گفته این رویداد نشان می‌هد که ادعای طالبان در مورد اینکه نسبت به گذشته تغییر روش داده‌اند، کاملاً دروغ است.

در اعلامیه این اقدام طالبان وحشتناک خوانده و تأکید شده است که کشتار

نظامیان تسلیم‌شده توسط طالبان همچنین ادعای این گروه مبنی بر احترام‌گذاشتن به حقوق بشر در مذاکرات صلح را تضعیف می‌کند.

سازمان عفو بین‌الملل از دولت افغانستان خواسته است که درباره‌ی این کشتار منجرکننده تحقیق و عاملان آن را محاکمه کند. این سازمان اما تأکید کرده است که در غیر این صورت، باید جامعه‌ی جهانی و دادگاه بین‌المللی کیفری وارد عمل شوند.

شبکه‌ی سی‌ان‌ان دو روز پیش (سه‌شنبه) یک ویدیوی ۴۵ ثانیه‌ای را از کشتار

عفو بین‌الملل:

تیرباران کماندوهای ارتش توسط طالبان در فاریاب جنایت جنگی است

ارتش از ولسوالی دولت‌آباد را انتقال داده‌اند. صبغت‌الله سیلاب، معاون شورای ولایتی فاریاب در ۲۷ جوزا نیز در صحبت با روزنامه اطلاعات روز تأیید کرد که دست‌کم ۲۰ سرباز کماندوی ارتش در ۲۶ جوزا در مرکز ولسوالی دولت‌آباد کشته شدند.

آقای سیلاب افزوده بود که طالبان این افراد را پس از سقوط ولسوالی دولت‌آباد کشته بودند.

اما گروه طالبان در واکنش به نشر ویدیو توسط سی‌ان‌ان از کشتار کماندوهای ارتش در فاریاب، گفته که این ویدیو جعلی است.

نظامیانی دولتی توسط جنگ‌جویان طالبان در تاریخ ۲۶ جوزای سال جاری در ولسوالی دولت‌آباد فاریاب منتشر کرد. در این ویدیو نشان داده می‌شود که تعدادی از افسران کماندوهای ارتش بدون اسلحه خود را به طالبان تسلیم می‌کنند. طالبان سپس آنان را بی‌اعتنا به قواعد جنگی تیرباران می‌کنند و الله اکبر سر می‌دهند.

به گزارش سی‌ان‌ان، وزارت دفاع کشور نیز این رویداد را تأیید کرده است. همچنان این شبکه‌ی خبری گفته که صلیب سرخ نیز تأیید کرده است که پیکر ۲۲ کماندوی

پروازها از افغانستان به مقصد کشور سومی از طریق امارات متحده‌ی عربی از سر گرفته شد

مسافرانی که از کابل به مقصد امارات متحده‌ی عربی می‌روند و قصد ماندن در آن کشور را دارند، به‌منظور جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در حالت تعلیق قرار دارد.

در اطلاعیه‌ی گفته‌شده است که در صورت سیر نزولی شیوع ویروس کرونا در افغانستان، پروازهای مستقیم کابل - امارات متحده‌ی عربی نیز دوباره از سر گرفته خواهد شد.

اطلاعات روز: اداره هوانوردی ملکی افغانستان اعلام کرده است که در نتیجه‌ی تلاش‌های این اداره و سفارت افغانستان در ابوظبی، پایتخت امارات متحده‌ی عربی، پروازها به مقصد کشور سومی از طریق امارات متحده از سر گرفته شده است.

در اطلاعیه‌ی این اداره که دیروز (چهارشنبه، ۲۳ سرطان) منتشر شده، آمده است که پروازها به‌روزی

عربی در آن زمان گفته بود که تعلیق پروازها از افغانستان به امارات موقتی است.

این درحالی است که روزانه به‌طور اوسط حدود یک هزار نفر در افغانستان به ویروس کرونا مبتلا می‌شوند. همچنین، وزارت صحت آمار روزانه‌ی مرگ ناشی از ویروس کرونا در روزهای اخیر را بی‌بین ۵۸ تا ۹۰ نفر گزارش کرده است.

به دلیل مخالفت محقق، هواپیمای حامل مرادعلی مراد از آسمان شهر نیلی برگشت

صحبت با روزنامه اطلاعات روز تأیید کرد که طیاره‌ی حامل آنان پس از دریافت تماس از دفتر ریاست‌جمهوری، از نیلی برگشته است و فعلاً در بامیان بسر می‌برند.

مرادعلی مراد دو روز پیش براساس حکم رییس‌جمهور غنی به‌جای رشیده شهیدی به‌عنوان والی جدید دایکندی تعیین شده بود.

مراد رتبه‌ی نظامی سترجنرالی دارد. او پیش از این به‌عنوان معاون رییس ستاد ارتش، معین ارشد امنیتی وزارت داخله و فرمانده گارنیزون کابل ایفای وظیفه کرده است.

از دفتر ریاست‌جمهوری به هیأت همراه مرادعلی مراد تماس گرفته شده و آنان به کابل فراخوانده شده‌اند.

هواپیمای حامل مرادعلی مراد، محمدرسور جوادی، معین پالسی و مسلکی اداره مستقل ارگان‌های محلی و شماری از نمایندگان مردم دایکندی در مجلس نمایندگان از جمله علی‌اکبر جمشیدی و ریحانه آزاد از آسمان نیلی برگشته و برای سوخت‌گیری در میدان هوایی «شهید مزاری» در بامیان فرود آمده است. آنان قرار است به کابل برگردند.

در همین حال، علی‌اکبر جمشیدی در

تماس گرفته و گفته است که براساس توافق دو طرف، والی دایکندی باید از افراد نزدیک به او مقرر می‌شود، اما در تعیین مرادعلی مراد نه با او مشورت شده و نه پست بدیلی پیشنهاد شده است.

طبق اظهارات این منابع، محقق در این تماس به آقای غنی گفته است که از میان او و مرادعلی مراد باید یکی را انتخاب کند و در صورتی که توافق میان دو طرف عملی نشود، او از سمت مشاوریت استعفا خواهد کرد.

منابع همچنین به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که پس از تماس محقق به غنی،

اطلاعات روز: قرار بود مرادعلی مراد، والی تازه تعیین‌شده‌ی دایکندی دیروز رسماً معرفی و به کارش آغاز کند، اما هواپیمای حامل او از آسمان نیلی، مرکز ولایت دایکندی برگشته است.

منابع معتبر و آگاه به روزنامه اطلاعات روز می‌گویند که دلیل برگشت هواپیمای حامل مرادعلی مراد از آسمان نیلی، مخالفت محمد محقق، مشاور ارشد رییس‌جمهور اشرف غنی در امور سیاسی و امنیتی با انتصاب او به‌عنوان والی دایکندی بوده است.

به‌گفته‌ی این منابع، آقای محقق صبح دیروز به رییس‌جمهور غنی

ملا امام یک مسجد در کاپیسا از سوی افراد مسلح ناشناس ترور شد

آقای کوهستانی همچنین گفت که این ملا امام هنگامی که به‌خاطر ادای نماز به‌سوی مسجد در حرکت بود، هدف تیراندازی افراد ناشناس قرار گرفته و جان باخته است.

فرد یا گروهی تا کنون مسئولیت ترور این ملا امام مسجد را به عهده نگرفته و کسی هم در پیوند به آن بازداشت نشده است. ولایت نسبتاً ناامن کاپیسا در شمال کابل موقعیت دارد. گراف ترورهای هدفمند و جرایم جنایی در این ولایت بلند است.

سخن‌گوی قوای مسلح:

به‌زودی مناطق از دست‌رفته پس گرفته می‌شود

جنگ‌جویان طالبان حملات‌شان را در کشور شدت بخشیده‌اند. این گروه در جریان بیش از دو ماه گذشته، حدود ۱۰۰ ولسوالی و شماری از مناطق کشور را سقوط داده‌اند.

همچنین این گروه بخش‌هایی از شهر غزنی و قلعه‌نو، مرکز بادغیس را هم سقوط داده‌اند. این گروه افزون بر مراکز این دو ولایت، بر شهر تالقان، مرکز تخار و بخش‌هایی از شهر فیروزکوه، مرکز غور، فیض‌آباد، مرکز بدخشان و شهر قندهار هم حملاتی راه‌اندازی کردند.

در تعدادی از این شهرها حملات طالبان عقب زده شده است و در تعدادی از آنان درگیری‌ها جریان دارد.

تروریستی محافظت کنند. به گفته‌ی او، به همین خاطر این نیروها در هر نقطه‌ای از کشور در احضارات کامل جنگی به‌سر می‌برند. همچنین آقای شینواری تأکید کرد که «جنایات» طالبان را نیروهای امنیتی و دفاعی بی‌جواب نمی‌مانند.

همزمان با این، او گفت که این نیروها در سه روز اخیر، ۹۸ عملیات مشترک و مستقلانه را در ۲۵ ولایت کشور راه‌اندازی کرده‌اند. در نتیجه‌ی این عملیات یک‌هزار ۳۶۹ جنگ‌جوی طالبان کشته و ۶۰۵ جنگ‌جوی دیگر این گروه زخمی شده‌اند. او همچنین گفت که ۴۹ جنگ‌جوی دیگر طالبان هم بازداشت شده‌اند.

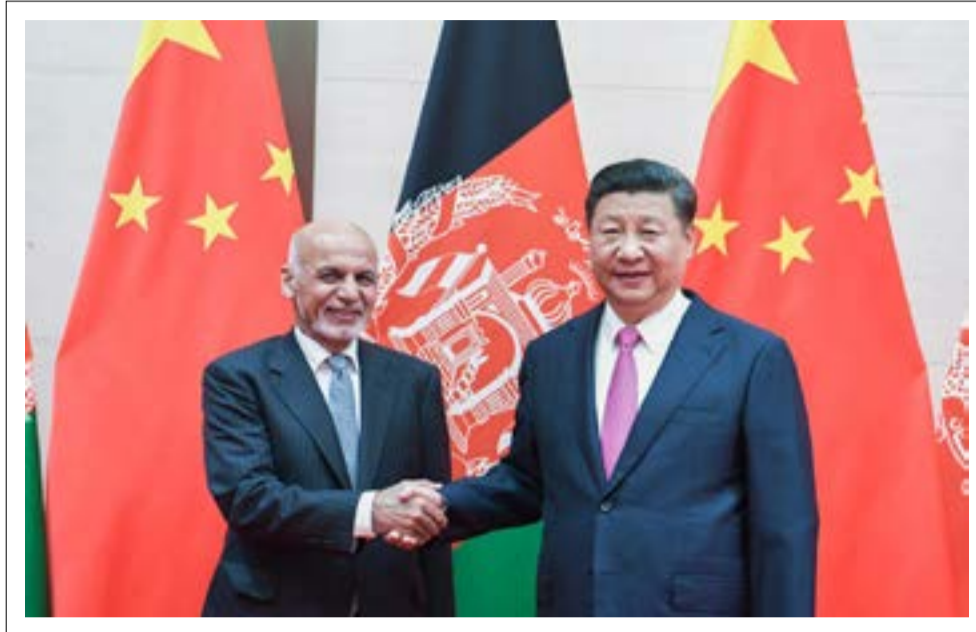
این درحالی است که در ماه‌های اخیر

تدابیری در سطح استراتژیک در پاسخ به تحرکات و فعالیت‌های طالبان عملیات گسترده‌ای را انجام داده‌اند. به گفته‌ی او، نیروهای امنیتی و دفاعی در این عملیات دستاوردهای چشم‌گیر دارند.

سخن‌گوی قوای مسلح همچنین گفت که طالبان در هنگام گرفتن شماری از مناطق، دارایی‌های مردم را غارت و تأسیسات عام‌المنفعه را در این مناطق تخریب و ویران کرده‌اند. او این اقدام طالبان را عمل غیرانسانی و خلاف تمامی اصول و موازین جنگی خواند.

اجمل عمر شینواری اما تأکید کرد که این نیروها اراده‌ی راسخ دارد تا در هر شرایط از غیرنظامیان در مقابل هر نوع حملات

نگاه استراتژیک چین به افغانستان (۱)



یون سون، رییس برنامه‌های چین در مرکز ستیسمون ترجمه: سمیع مهدی، خبرنگار و استاد دانشگاه کابل

با نزدیک شدن خروج نیروهای امریکایی، آینده‌ی افغانستان نامطمئن تر از هر زمانی به نظر می‌رسد. چین، به‌عنوان همسایه‌ای که منافع قابل توجه در این کشور دارد، آینده‌ی افغانستان را چگونه می‌بیند و چه آمادگی برای آن دارد؟ از ۱۱ سپتامبر تا کنون، حضور نظامی امریکا در افغانستان چین را با معماری دشواری روبه‌رو کرده است. از یک سو، بیجینگ نیروهای امریکایی در عقب‌خانه‌ی خود را همچون یک تهدید جدی استراتژیک دیده است؛ اما در عین حال، چین به این باور است که از امنیت که امریکا در افغانستان به‌وجود آورده، به‌ویژه در زمینه‌ی مهار رشد و گسترش گروه‌های دهشت‌افکن ضدچین، سود برده است. پیامد این معما این است که چین خواهان خروج امریکا است، اما تنها در صورتی که این خروج «مسئولانه» باشد و سبب خلاء قدرت و هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در منطقه نشود. واقعیت این است که تصمیم خروج از افغانستان در واشنگتن گرفته خواهد شد نه در بیجینگ و بنابراین چین ناگزیر است تنها در برابر تصمیم امریکا واکنشی عمل کند.

ایالات متحده و طالبان یک توافق صلح را در ۲۹ فیبروری ۲۰۲۰ در دوحه امضا کردند. این توافق با خوش‌بینی رسمی در ایالات متحده روبه‌رو شده است. چین، اما در مورد این توافق کم‌تر خوش‌بین است و خوش‌بینی بسیار کم در مورد روند داخلی صلح افغانستان دارد. در عوض، چین تصور می‌کند این توافق‌نامه‌ی امریکایی سبب بی‌ثباتی بیش‌تر خواهد شد و در فرجام منطقه به‌دنبال جاگزین‌های چندجانبه، به‌شمول عملیات صلح‌جویی سازمان ملل برای اجتناب از سقوط به قهقرا باید باشد.

موضع تاریخی چین در قبال افغانستان

ثبات در افغانستان از منافع بنیادین چین است. هرج‌ومرج در افغانستان، از دید چین، بنیادگرایی اسلامی را شعله‌ور می‌کند که امنیت داخلی چین به‌ویژه در سیکیانگ را تهدید می‌کند. چین یک قدرت تجدیدنظرطلب (revisionist) در افغانستان نیست. در صورت امکان، چین می‌خواهد افغانستان به ثبات داخلی برسد و یک حکومت کارا داشته باشد، البته ترجیحاً و نه الزاماً، می‌خواهد این حکومت در میان قدرت‌های بزرگ بی‌طرف بماند. با توجه به باتلاقی که بریتانیا، اتحاد شوروی و حالا امریکا در آن گیر مانده، چین همیشه به این باور بوده که افغانستان «گورستان امپراطوری‌ها» است. به‌صورت سنتی بیجینگ به این باور بوده است که باید از گیرافتادن در امور افغانستان به هر قیمتی خودداری کند.

نگاه کلی چین به حضور امریکا در افغانستان متشکل از عوامل متضاد است. در بخش منفی آن، چین تهاجم امریکا به افغانستان را به‌عنوان تلاش امریکا برای جای پا بازکردن در قلب قاره‌ی ایشیا می‌داند که می‌تواند در آینده برای مهار چین استفاده شود. بیجینگ جنگ جاری در برابر طالبان را عمل «غیرمسئولانه»ی امریکا در بی‌ثبات‌سازی منطقه و برهم‌زدن آرامش منطقه می‌بیند. از دید چینی‌ها، ۱۱ سپتامبر که منتج به جنگ امریکا در افغانستان شد، تندروی مسلمانان در منطقه را بیش‌تر کرد و به‌گونه‌ی مستقیم به نارامی در منطقه‌ی خودمختار اویغور در سیکیانگ چین اثر گذاشت. اما در نگاه مثبت، چینی‌ها جنگ‌های امریکا پس از ۱۱ سپتامبر را به‌عنوان بهترین فرصت برای چین از زمان پایان جنگ سرد بوده است. همچنین «دریچه‌ی فرصت استراتژیک» بوده که یک دهه زمان برای بیجینگ فراهم کرد تا به تقویت قدرت خود بپردازد، درحالی‌که واشنگتن پریشان و گرفتار بود و تریلیون‌ها دلار را در افغانستان و عراق مصرف کرد. هنگامی که امریکا در جنگ‌اش در برابر ترور به حمایت صوری چین نیاز داشت، چین بهانه‌ی تهدید تروریسم در سیکیانگ را به بازی گرفت و از جنگ جهانی در برابر تروریسم برای توجیه سیاست خودش در منطقه‌ی اویغور استفاده کرد.

افغانستان هرگز یک اولویت برای شراکت اقتصادی برای چین نبوده است حتا در اوج استراتژی «بیرون‌رفتن» بیجینگ (فصل قبلی ابتکار کمربند و راه که شرکت‌های چینی‌ای را تشویق به جستجوی بازارهای جهانی می‌کرد)، شمار اندک شرکت‌های چینی‌ای به افغانستان علاقه نشان

در نزدیکی مرز چین به‌دلیل تأثیرات بی‌ثبات‌کننده‌ی آن برای منطقه بود و حالا به همان اندازه خروج امریکا از افغانستان را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ این طنز تلخ تاریخ است.

در عین حال، بسیاری از ناظران چینی‌ای باورشان نمی‌شود که امریکا به‌گونه‌ی کامل نیروهایش را از افغانستان بیرون کند. چین شک دارد که امریکا حضور و نفوذ خود در افغانستان را که جای پای جیوپولتیک در مرکز قاره‌ی ایشیا برایش است ترک کند. ترمپ که به غیرقابل پیش‌بینی بودن و بی‌ثباتی معروف است، ممکن است در صورتی که منافعش ایجاب کند، به‌شکل دراماتیک تصمیم خود در مورد افغانستان را تغییر دهد.

در میان کابل و طالبان

نگرانی اصلی چین در رابطه به افغانستان پیرامون وضعیت امنیت، بی‌ثباتی و افراطی‌تبی است که به داخل چین سرایت می‌کند. برای رسیدگی به این مشکل، چین باید هم با کابل و هم با طالبان کار کند. در نتیجه، بیجینگ به‌گونه‌ی پایدار از مصالحه میان دو طرف و همه‌شمول بودن روندهای سیاسی حمایت کرده است. به‌رغم حمایت قبلی چین از ائتلاف شمال ضدطالبان، نگاهش به طالبان به شکل تدریجی متحول شده و میان آن شاخه‌های که ضدامریکایی‌اند و آن‌هایی که افراطیت اسلامی را تبلیغ می‌کنند، تفاوت قائل است. پس با توجه به نیاز چین به طالبان برای پناه‌اندان به جنگ‌جویان اویغور و خواست طالبان از چین برای انجام دادخواهی به آن‌ها، یک رابطه‌ی سودجویانه میان دو طرف شکل گرفته است. از سال ۲۰۱۴ به این سو، هیأت طالبان به دیدارهای آشکار و منظم از چین آغاز کردند که زمینه‌سازی گفت‌وگوهای سری میان کابل و طالبان در اورومچی نقطه‌ی اوج این جریان بود.

در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم، چین رابطه‌ی نزدیک را با کابل برای انجام عملیات امنیتی دو جانبه به‌ویژه با هدف قراردادن سازمان‌های مرتبط با جنبش اسلامی ترکستان شرقی و داعش، حفظ کرده است. چین با کمک‌های نظامی، کابل را در ساختن کندک کوهستانی‌اش در دهلیز واخان با هدف جلوگیری از ورود داعش به خاک چین از راه ولایت بدخشان افغانستان، یاری کرد. بر بنیاد تحقیقات پژوهشگران افغانستانی، چین ۷۰ میلیون دلار کمک نظامی در میان سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۸ به حکومت افغانستان فراهم کرده است.

رابطه‌ی ویژه‌ی چین با کابل و طالبان، نقش خاصی را به این کشور در مذاکرات میان دو طرف می‌دهد. بیجینگ به بی‌طرفی نسبی خود افتخار می‌کند و با افتخار می‌گوید، برعکس ایالات متحده و بسیاری از همسایه‌های افغانستان، چین هرگز به افغانستان تجاوز نکرده است. این کشور به‌گونه‌ی دوامدار به نمایندگان طالبان ویژه‌ی بازدید از چین و اشتراک در ملاقات‌ها صادر کرده است؛ کاری که چین را قادر ساخته نقش تسهیل‌کننده را میان کابل و طالبان بازی کند.

در صورت قوت بلند مشروعیت و نقش و نفوذ طالبان در افغانستان، به احتمال زیاد چین روابطش با این گروه را در آینده بیش‌تر خواهد کرد. دیرزمانی است که چین از اصل عدم مداخله در امور افغانستان زیر نام میانجی‌گری و یا تلاش برای حفاظت از منافع خود، عبور کرده است. درحالی‌که چین هنوز به حمایت از غنی و حکومتش ادامه می‌دهد، تحلیلگران چینی‌ای هوادار طالبان در حال افزایش‌اند. پاک گوانگ، یک کارشناس ارشد چینی‌ای امور شرق میانه و ضد تروریسم، گفته است که گروه طالبان «از سوی مردم فقیر که بیش از نیمی نفوس افغانستان را شکل می‌دهند، حمایت می‌شود» در مقابل او همچنان گفته است که حکومت کابل «از سوی امریکایی‌ها حمایت می‌شود.» در نگاه این تحلیلگران، توافق صلح میان امریکا و طالبان، مشروعیت این گروه را تقویت کرده و آن را از نفوذ لازم برای ایجاد رابطه با حکومت‌های خارجی، به‌ویژه پاکستان و چین، برخوردار می‌کند. با وجودی که چین نه می‌خواهد و نه می‌تواند از یک خلافت در افغانستان حمایت کند، چون ممکن است تسلط چین بر نفوس مسلمانان را به‌گونه‌ی مستقیم به چالش بکشد، اما به این باور است که ایدیولوژی سیاسی طالبان تا حدی انعطاف‌پذیر شده است.

برابر نیروهای حکومت افغانستان ادامه می‌دهند. اختلاف بر سر نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان نیز به بهبود وضع کمک نمی‌کند. ادامه‌ی بن‌بست سیاسی میان رییس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله استراتژی مذاکرات حکومت با طالبان را صدمه می‌زند. چین رسماً برد سیاسی غنی را حمایت کرده است، اما در عین حال، از توان عبدالله برای صدمه‌زدن به روند گفت‌وگوها واقف است. هرچند چینی‌ها نه به این نظرند که امتیاز سیاسی و پایه‌های قدرت غنی به‌گونه‌ی کافی از سوی عبدالله به چالش کشیده شده است، و نه هم این بن‌بست سبب بی‌ثباتی در حکومت مرکزی خواهد شد، اما «دوگانگی» در قدرت کابل احتمالاً ادامه خواهد یافت.

از آنچه که چین هراس دارد و بیش‌بینی می‌کند این است که معادله‌ی نازک قدرت در افغانستان با خروج نیروهای امریکایی بشکند. در آن صورت، شاید طالبان گفت‌وگوی مستقیم با حکومت افغانستان را رد کنند. در بدترین شرایط، یک جنگ داخلی میان طالبان و بازماندگان حکومت مرکزی به راه خواهد افتاد.

انتقاد چین از سیاست امریکا در افغانستان

از منظر چین، امریکا به‌گونه‌ی غیرمسئولانه تصمیم به خروج از افغانستان گرفته است. در پی آن، ایالات متحده آشفتگی‌ای را برای مردم افغانستان و کشورهای منطقه به میراث خواهد گذاشت که آن‌ها پاک کنند، به‌ویژه اگر واشنگتن تهدید خود در مورد کاهش قابل توجه کمک‌هایش به افغانستان را عملی کند. رسانه‌های رسمی چین توافق صلح امریکا و طالبان را با خروج «نگین» امریکا از ویتنام در دهه‌ی ۱۹۷۰ مقایسه کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد امریکا نه‌تنها به‌دلیل نگرانی از فروپاشی افغانستان، بلکه به‌دلیل صدمه‌ای که به اعتبارش می‌رسد، خروجش از این کشور را به تأخیر انداخته است. از دید چین، «صلح» که امریکا به آن رسیده است یک «صلح» برای خودش است، نه صلحی برای افغانستان و منطقه. ایالات متحده در حالی برنامه‌ی خروج از افغانستان دارد که دو تریلیون دلار مصرف کرده و دوهزار و ۴۰۰ سرباز از دست داده است، درحالی‌که طالبان هنوز قدرت قوی سیاسی‌اند و امنیت افغانستان وخیم است.

درحالی‌که چین انتظار دارد دونالد ترمپ، با انگیزه‌ی کمپین برای انتخاب مجددش، برای یک توافق صلح با خروج امریکا از افغانستان فشار بیاورد، شدیدترین نگرانی چین این است که خروج غیرمسئولانه‌ی امریکا هیچ راه برای صلح پایدار باقی نمی‌گذارد. در نتیجه، چین و دیگر کشورهای منطقه با لبریز شدن غیر قابل پیش‌گیری اثرات این منازعه به دامن خودشان طی سال‌های آینده روبه‌رو خواهند شد. چین در ۲۰۰۱ مخالف تهاجم امریکا و جابه‌جایی نیروهای امریکایی

دادند. استثنا در این زمینه شرکت‌هایی بودند که در معدن مس عینک در سال ۲۰۰۸ و پروژه‌ی استخراج نفت آمو دریا در سال ۲۰۱۱ دخیل شدند.

امید برای هرگونه سرمایه‌گذاری سودآور در افغانستان با بدتر شدن وضعیت امنیتی که در نهایت سبب شد پروژه‌های بزرگ متوقف شوند، به سرعت از میان رفت. به‌رغم روایت رسمی که افغانستان را به‌عنوان پیوند مهم در ابتکار کمربند و راه نشان می‌داد، سرمایه‌گذاری چین در افغانستان حداقلی بوده و در سال ۲۰۱۶ تنها ۲٫۲ میلیون دلار و تمام سهام سرمایه‌گذاری‌های چین تا پایان سال ۲۰۱۷ ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. برعکس، داستان در پاکستان خیلی متفاوت است: سرمایه‌گذاری چین در پاکستان به ۱٫۵ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ رسید که کل سهام سرمایه‌گذاری آن کشور را به ۵٫۷ میلیارد دلار تا پایان ۲۰۱۷ رساند.

رابطه‌ی اقتصادی راکد میان بیجینگ و کابل عمدتاً متأثر از نگرانی‌های امنیتی است. بیرون‌شدن نیروهای خارجی از افغانستان وضعیت امنیتی را غیر قابل پیش‌بینی‌تر از گذشته می‌کند. از زمانی که روند صلح افغانستان آغاز شده، چینی‌ها با تیزی از آن آگاه بوده و از خلاء امنیتی احتمالی در کشور و احتمال بروز خشونت‌های بیش‌تر نگران بوده‌اند. آنچه که چینی‌ها نمی‌توانند حدس بزنند، صداقت امریکا در میزان کاهش نیروهایش است؛ موضوعی که برنامه‌های بعدی چین به آن وابسته است. اگر امریکا به‌گونه‌ی کامل از افغانستان بیرون شود، بیجینگ کمک‌های توسعه‌ای، دیپلماتیک، ظرفیت‌سازی، کمک‌های نظامی، و مداخله‌ی خود را بیش‌تر خواهد کرد. چین ناگزیر خواهد بود در زمینه‌ی ایجاد ثبات در افغانستان سرمایه‌گذاری بیش‌تر کند. اما با توجه به اهمیت موقعیت جیوپولتیک افغانستان و هزینه‌ی سنگین که امریکا از سال ۲۰۰۱ تا کنون بر دوش کشیده، چین عمیقاً نمی‌تواند باور کند امریکا حضور و نفوذ خود در افغانستان را ترک کند. حتا حضور کوچک نظامی امریکا در افغانستان برای واشنگتن بهای قابل توجه جنگ ۱۹ ساله‌اش را می‌پردازد.

بدبینی به آینده

سیاست چین در قبال افغانستان بر تحلیل آن کشور از عواقب توافق صلح امریکا و طالبان بنا یافته است. از دید بیجینگ، وضعیت مثبت به‌نظر نمی‌رسد. روند مصالحه‌ی داخلی میان طالبان و حکومت افغانستان به مراتب دشوارتر از مذاکرات واشنگتن و طالبان خواهد بود. نشانه‌های نخستین پس از ۲۹ فیبروری این برداشت را تقویت می‌کند. اختلاف میان طالبان و حکومت افغانستان روی رهایی زندانیان وضع را بدتر می‌کند و -هرچند در تناقض با توافق‌شان با امریکا نیست- طالبان به عملیات نظامی در

خبر داخلی

جنگ و خشک‌سالی در غرب افغانستان؛ بیش از هشت‌هزار خانواده به هرات آواره شده‌اند

وضعیت جنگ و بی‌جاشدگان داخلی توجه نشود، فاجعه انسانی رخ خواهد داد. عبدالعزیز بیگ، رییس شورای ولایتی بادغیس به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که شهر قلعه‌نو زیر آتش جنگ قرار دارد و به این دلیل آوارگان بیشتری به هرات سفر می‌کنند. هرات به کانون توجه بی‌جاشدگان داخلی مبدل گشته است. بر بنیاد آمار مسئولان ریاست مهاجرین هرات، طی دو دهه اخیر بیش از نیم میلیون بی‌جاشده داخلی در هرات آمده‌اند.

او افزود که حالا با سه خانواده دیگر آواره جنگ از بادغیس در یک اتاق در هرات زندگی می‌کند و حتی نانی برای خوردن ندارد: «قلعه‌نو خیلی جنگ بود و مجبور شدیم که به هرات بیایم. حالا در هرات بخدا قسم یک افغانی ندارم و نمی‌فهمم که چگونه شکم فرزندان خود را سیر کنم.»

همزمان با این، برخی از نمایندگان بادغیس در شورای ولایتی و مجلس نمایندگان در هرات نشست خبری برگزار کردند. این نمایندگان هشدار دادند که اگر به

کمک به آوارگان جنگ و خشک‌سالی در اختیار ندارند. او از نهادهای کمک‌رسان می‌خواهد که برای کمک به بی‌جاشدگان داخلی اقدام کنند، تا مشکلات آوارگان جنگ کاهش پیدا کند. بیشتر آوارگان در هرات از ولایت‌های فاریاب، بادغیس و غور هستند.

مریم ۲۷ ساله از ترس شدت گرفتن جنگ با چهار فرزندش به هرات پناه آورده است. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز مدعی است که خانه‌اش در جنگ‌های شهر قلعه‌نو چور و چپاول شده است.

اطلاعات روز - هرات: مسئولان در ریاست مهاجرین و عودت‌کنندگان هرات می‌گویند که از آغاز سال جاری تاکنون بیش از هشت‌هزار خانواده به‌دنبال شدت گرفتن جنگ‌ها و خشک‌سالی به هرات آواره شده‌اند. مبین قادری، رییس مهاجرین و عودت‌کنندگان هرات دیروز (چهارشنبه، ۲۳ سرطان) به روزنامه اطلاعات روز گفت که تنها طی یک ماه اخیر، بیش از دوهزار خانواده از ولایت‌های هم‌جوار به هرات آواره شده‌اند. آقای قادری همچنین گفت که بودجه کافی برای



نظریه سیاسی کمک‌های خارجی

هانس مورگنتا، دانشگاه شیکاگو
برگردان: سید محمدتقی حسینی

از میان نوآوری‌های ظاهری و واقعی که عصر مدرن وارد سیاست خارجی کرده است، هیچ یک پیچیده‌تر و مبهم‌تر از کمک‌های خارجی برای درک و عمل نیست. این فرضیه که کمک خارجی ابزار سیاست خارجی است، موضوع جنجال‌برانگیزی است. زیرا از یکسو این تصور عمومی وجود دارد که کمک‌های خارجی به خودی خود هدف است و مستقل از سیاست خارجی توجیهات خاص خود را دارد. از این دیدگاه، کمک‌های خارجی انجام تعهدات چند کشور ثروتمند در قبال بسیاری از کشورهای فقیر است. از سوی دیگر خیلی‌ها هیچ توجیهی برای سیاست کمک خارجی نمی‌بینند. آن‌ها کمک‌های خارجی را به عنوان یک کار بزرگ بی‌ارزش، بی‌فایده و غیر قابل دفاع که نه منافع ایالات متحده و [کشورهای اهداکننده کمک] و نه منافع کشورهای گیرنده را تأمین می‌کند، می‌بینند. گفت‌وگوی عمومی در مورد کمک‌های خارجی کمتر انجام و این امر کمتر درک شده است. در بهار هر سال، ملت چنین بحثی را انجام می‌دهند، تقریباً فقط از نظر مبلغی که باید برای اهداف خارجی هزینه شود و نه از اهداف اساسی که سیاست کمک‌های خارجی قرار است انجام دهد.

دولت سعی می‌کند، مثل آن‌چه که هست، مقدار مشخصی کمک خارجی را به کنگره بفروشد و کنگره از خرید این مبلغ امتناع می‌ورزد. کنگره به طور کلی حدود ده درصد کمتر از آن‌چه دولت درخواست کرده است را برای کمک‌های خارجی اختصاص می‌دهد. دولت هر آن‌چه را که تصویب می‌شود، هرطور که صلاح می‌داند در رده‌های عمومی مجاز هزینه می‌کند. فقط زمانی که سوءاستفاده آشکار و بی‌کفایتی به اوج خود می‌رسد (مانند کمک‌های خارجی ما به لائوس) سوال از محتوای سیاست کمک‌های خارجی ما است که در انتظار عمومی مطرح می‌شود و وحتا در این صورت، به جای منافع مثبت اهداف پیش‌بینی‌پذیر سیاست خارجی ما، از نظر منفی برای رفع سوءاستفاده و ناکارآمدی انواع معیارهایی که برای تأمین این اهداف به بهترین شکل محاسبه می‌شوند، قرار داده می‌شود. در واقع حتی بی‌فایده است که این سوال مطرح شود که آیا ایالات متحده باید به همان اندازه که سیاست کمک خارجی دارد باید پولیس و یا نظامی خارجی هم داشته باشد؟ برای ایالات متحده امریکا منافعی خارج از کشور وجود دارد که نمی‌توان آن را از طریق نظامی تأمین کرد و روش‌های دیپلماسی سنتی حمایت از آن‌ها فقط تا حدی مناسب هستند و اگر کمک‌های خارجی در دسترس نباشد به هیچ‌وجه رسیدن به این منافع امکان‌پذیر نیست. سوال این است؛ چه نوع سیاست کمک‌های خارجی باید داشته باشیم که بعداً قابل توجیه باشد؟ همان‌طور که در سال‌های اخیر مشخص شده است، مدلی که ما داریم بسیار ضعیف است. که به عنوان یک اهرم تکنیکی مرکزی خودکفا برای پوشش تعدا زیادی از اهداف و فعالیت‌های مختلف، پاسخ تصادفی (دل‌بخاوهی) به همه تقاضاهای مستدل و غیرمستدل بی‌ربط و یا با ربط تصادفی در ارتباط با سیاست کمک‌های خارجی ما تصور شده است. به طور خلاصه ایالات متحده بیش از دو دهه است که در زمینه کمک‌های خارجی فعالیت می‌کند؛ اما هنوز نتوانسته است یک نظریه قابل فهم که بتواند استانداردهای قضاوت در مورد اندازه‌گیری را داشته باشد را به وجود بیاورد.

شش نوع کمک خارجی

اولین پیش‌نیاز برای توسعه یک سیاست خارجی مناسب، شناخت تنوع سیاست‌هایی است که با این نام انجام می‌شود. در این ارتباط شش مورد را می‌توان متمایز کرد که فقط یک چیز مشترک دارند؛ انتقال پول، کالا و خدمات از یک کشور به کشور دیگر. آن‌ها کمک‌های خارجی بشردوستانه، کمک‌های خارجی معیشتی، کمک‌های خارجی نظامی، رشوهدهی، کمک‌های اعتباری و کمک‌های اقتصادی است. از این انواع متفاوت، فقط کمک‌های خارجی بشردوستانه به خودی

خود غیر سیاسی هستند. کمک‌هایی که دولت‌ها به طور سنتی به کشورهای که قربانی بلایای طبیعی مانند سیل، قحطی و بیماری‌های همه‌گیر هستند ارائه می‌دهند، در این گروه قرار می‌گیرند. در حالی که کمک‌های بشر دوستانه فی‌نفسه غیر سیاسی است، اما در صورت فعالیت در یک زمینه سیاسی می‌تواند یک عملکرد سیاسی داشته باشد. کمک‌های خارجی که سازمان‌های خصوصی ارائه می‌دهند بهتر و یا بدتر بودن این کمک‌ها از نظر انسان‌دوستانه به دولت متبوع آن‌ها نسبت داده می‌شود؛ تا جایی که این کمک‌های بشردوستانه یک کشور خارجی توسط کشور گیرنده و ساکنان آن یک عمل سیاسی فرض می‌شود. بنابراین کمک‌های کشاورزی که بنیاد را کف‌ر سال‌ها به برخی از کشورهای آمریکای لاتین ارائه می‌کرده است؛ در شرایط معاصر عملکرد سیاسی را انجام داد که قبلاً انجام نداده است. همین امر از ابتدا در مورد کارهایی که بنیاد فوردر در هند انجام می‌داد صادق بود. در همین راستا، کمک‌های طولانی‌مدت بشردوستانه توسط یک دولت ممکن است تأثیرات و انتظارات سیاسی داشته باشد. کمک‌های خارجی معیشتی برای دولت‌هایی مانند اردن و نیجریه که امکاناتی برای حفظ حداقل خدمات عمومی است، ادامه پیدا می‌کند. کشور اهداکننده کمک، کسری بودجه کشور گیرنده را تشکیل می‌دهد. کمک‌های خارجی برای معیشت از نوع بشردوستانه است، از این جهت که می‌خواهد مانع از فروپاشی جامعه سازمان یافته‌ی

اولین پیش‌نیاز برای توسعه یک سیاست خارجی مناسب، شناخت تنوع سیاست‌هایی است که با این نام انجام می‌شود. در این ارتباط شش مورد را می‌توان متمایز کرد که فقط یک چیز مشترک دارند؛ انتقال پول، کالا و خدمات از یک کشور به کشور دیگر. آن‌ها کمک‌های خارجی بشردوستانه، کمک‌های خارجی معیشتی، کمک‌های خارجی نظامی، رشوهدهی، کمک‌های اعتباری و کمک‌های اقتصادی است.

شود که فعلاً وجود دارد و در واقع عملکرد سیاسی حفظ وضع موجود را انجام می‌دهد بدون اینکه، به عنوان یک قاعده افزایش استمرار وضع موجود مد نظر گرفته شود. زمانی که یک بدیل سیاسی برای رژیم‌های بد رشدکننده (غیر قابل رشد سریع) وجود دارد، ادامه کمک‌های خارجی امکان تحقق آن را کاهش می‌دهد. رشوهدی ارائه‌شده یک کشور، به کشور دیگر برای مزیت سیاسی تا اوایل قرن نوزدهم جزء لاینفک اسلحه‌خانه دیپلماسی عمومی بود. هیچ دولت‌مردی در تأیید عمومی رشوهد دادن و گرفتن تردید نمی‌کرد، هر چند ممکن است مضطرب باشد که عملیه خاصی را پنهان می‌کند. بنابراین معمول بود که یک دولت به وزیر امور خارجه و یا سفیر کشور دیگری کمک هزینه یعنی رشوهد پرداخت کند. لرد رابرت سیسل وزیر الیزابت، یکی از این کمک‌ها را از اسپانیا دریافت کرد. سرهنری وتون سفیر انگلیس در ونیز در قرن هفدهم یک مورد را از ساوی قبول کرد در حالی که یکی دیگر را از اسپانیا در خواست کرده بود. اسنادی که دولت انقلابی فرانسه در سال ۱۷۹۳ منتشر کرد نشان می‌دهد که دولت فرانسه بین سال‌های ۱۷۵۷ تا سال ۱۷۶۹، ۱۷۶۹، ۸۲۶۵۲۴۷۹ لیره به دولت‌مردان اتریشی کمک هزینه پرداخت کرد که تنها کانونیز نخست وزیر اتریش ۱۰۰ هزار دریافت کرد. سفیر پروس در پاریس قانون اصلی این بازی را هنگامی که در سال ۱۸۰۲ به دولت خود گزارش می‌داد این‌گونه خلاصه کرد: «تجربه به همه افرادی که این‌جا در زمینه دیپلماتیک حضور دارند آموخته است کسی نباید تا قبل از این‌که معامله کاملاً بسته نشده است، چیزی بدهد. تنها چیزی که ثابت شده است این است که جذابیت به‌دست‌آمده گاهی شگفت‌انگیز خواهد بود.» شایان ذکر است که اولین مصوبه تصویب‌شده توسط اولین کنگره ایالات متحده امریکا در سال ۱۷۸۹ شامل یک صندوق احتمالی متوسط برای چنین اهدافی بود.

بیشتر آن‌چه امروز به نام کمک‌های خارجی خوانده می‌شود ماهیت رشوهد را دارد. انتقال پول و خدمات از یک کشور به کشور دیگر در واقع بهای پرداخت‌شده برای عملکرد خدمات سیاسی است. این رشوهدها با نوع سنتی آن که در بالا به دو نمونه از آن‌ها اشاره شد، متفاوت است؛ آن‌ها در درجه اول از نظر کمک‌های خارجی برای توسعه اقتصادی توجیه می‌شوند و پول و خدمات از طریق روندهای پیچیده‌ای که برای کمک اقتصادی اصلی ساخته شده‌اند، منتقل می‌شوند. در نتیجه این رشوهدها در مقایسه با نوع سنتی آن تأثیر کمتری برای خرید امتیازات سیاسی دارند.

اجبار جایگزینی برای راه‌های جایگزینی انتقال رشوهد این طور وانمود می‌کند که مکانیزم بسیار پیچیده برای توسعه اقتصادی ناشی از یک جو عقیدتی است که این گزاره را به میان می‌آورد که کشورهای صنعتی بسیار پیشرفته وظیفه دارند پول و خدمات را به منظور توسعه اقتصادی به کشورهای توسعه‌نیافته انتقال دهند. بنابراین، جدا از کمک‌های خارجی بشردوستانه و نظامی، تنها نوع انتقال پول و خدمات که به نظر قانونی می‌رسد، چیزی است که ظاهراً برای هدف توسعه اقتصادی ساخته شده است. توسعه اقتصادی به یک ایدئولوژی تبدیل شده است که به موجب آن پول و خدمات از یک کشور به یک کشور دیگر در زمان صلح عقلانی و توجیه‌پذیر است.

فضای فعلی این نظریه، فرض دیگری را در بر می‌گیرد که از نظر جهانی معتبر است: در واقع می‌توان از طریق انتقال پول و خدمات از توسعه اقتصادی حمایت کرد. بنابراین توسعه اقتصادی به عنوان یک ایدئولوژی به ابزاری نیاز دارد که قابل قبول بودن اثر انتقال برای هدف اعلام‌شده از توسعه اقتصادی را محتمل کند. بر خلاف اکثر ایدئولوژی‌های سیاسی که فقط در سطح کلامی عمل می‌کنند و تأثیرات آن در قلمرو ایده باقی می‌ماند، این ایدئولوژی سیاسی، نیاز به یک دستگاه اداری پیچیده دارد که به عنوان ابزاری برای سیاست اعتقاد به‌کار می‌رود. دولت-ملت الف، در تلاش برای خرید مزیت سیاسی از دولت ب، مثلاً بهای ۲۰ میلیون دلار، نه تنها باید وانمود کند، بلکه باید به شکل مفصلی تظاهر کند. آن‌چه که در واقع انجام می‌دهد کمک به توسعه اقتصادی به دولت-ملت ب است. این عمل رشوهد دادن گویی که در توسعه اقتصادی نقش داشته باشد، ناگزیر انتظارات را در بخش دهننده و دریافت‌کننده ایجاد می‌کند. رشوهدخواری قدیمی یک معامله کاملاً سر راست بود: خدمات باید با قیمت ارائه می‌شد و هر دو طرف می‌دانستند که چه انتظاری باید داشته باشند. رشوهدخواری که به عنوان کمک خارجی برای توسعه اقتصادی تغییر پیدا کرده گیرنده و دهنده را در نقشی قرار می‌دهد که دیگر از واقعیت قابل تشخیص نیستند. در نتیجه هر دو ممکن است از نظر توسعه اقتصادی منتظر نتایجی باشند که ممکن است در ماهیت این چیزها بی‌نتیجه باشد. از این‌رو هر دو ناامید می‌شوند. اگر این ایدئولوژی به واقعیت تبدیل شود، مانع از هدف اصلی عملیه می‌شود و هیچ یک از طرفین معتقد نیست که آن‌چه را که مستحق آن است را دریافت کرده است. طی یک

دهه گذشته کمک‌های نظامی سهیم بیشتر برنامه‌های کمک خارجی ایالات متحده امریکا را گرفته است. هنگامی که کنگره مقداری بیش از ۲ میلیارد دلار برای کمک‌های نظامی اختصاص داد، در جلسه ۱۹۶۱ به نفع کمک‌های غیرنظامی تغییر ایجاد شد، در حالی که کل رأی به سایر برنامه‌های کمک خارجی بیش از ۳ میلیارد دلار بود. به مبلغ اخیر باید معادل تقریباً یک میلیارد دلار سود خارجی، درآمد حاصل از فروش کالاهای کشاورزی به خارج از کشور، برای کمک‌های اقتصادی و وام‌های خرید دولت اضافه شود. کمک‌های خارجی در بعد نظامی روش سنتی است که کشورها به وسیله آن اتحاد خود را حفظ می‌کنند. رم قبلاً از متحدان خود به خاطر حمایت‌های نظامی که از آن‌ها می‌کرد، خراج دریافت می‌کرد. قرن هفدهم و هجدهم دوره کلاسیک کمک هزینه‌های نظامی است که طی آن ملت‌ها و به ویژه انگلیس سعی در افزایش قدرت نظامی متحدان خود داشتند. با نگاهی به معاهدات اتحاد آن دوره اگر یکی از متحدین آسیبی می‌دید الزام وجود داشت که سایرین تهیه نیرو، تجهیزات، پشتیبانی لجستیکی، غذا، پول و موارد مشابه را انجام دهند. وام‌هایی که فرانسه پس از انعقاد اتحاد بین دو ملت در سال ۱۸۹۴ به روسیه اعطا کرد در همین دسته‌بندی جای می‌گیرد. این کمک نظامی سنتی را می‌توان تقسیم‌کار بین دو متحدی دانست که منابع خود را جمع می‌کنند، یکی تأمین پول، مواد و آموزش، دیگری تأمین نیروی انسانی. برخلاف روال سنتی کمک‌های نظامی امروز نه تنها به متحدان بلکه به برخی از ملت‌های غیر متعهد نیز تسری می‌یابد. کمک‌های نظامی که ایالات متحده به یوگسلاوی اعطا کرده است نمونه‌ای از این موارد است. هدف در این‌جا نه چندان نظامی بلکه سیاسی است. این سازمان کمک‌کننده در ازای کمک نظامی به دنبال مزیت سیاسی است. این کار با استدلال دریافت‌کننده کمک را متوجه خواست کشور اهداکننده کمک می‌کند. دومی انتظار دارد که اولی از یک دوره سیاسی که ممکن است ادامه کمک‌های نظامی را به خطر بیندازد، خودداری کند. کمک‌های نظامی در این‌جا واقعا رشوهد است. آن‌چه به عنوان کمک نظامی گاهی انجام می‌شود در واقع می‌تواند ماهیت اعتباری داشته باشد که در زیر در مورد آن بحث خواهیم کرد. تهیه جت‌های جنگنده و دیگر سلاح‌های پیشرفته در کشورهای توسعه‌نیافته بدیهی است که هیچ کارکرد نظامی

مسئولیت اجتماعی است که تعداد کمی از گروه‌های حاکم در طول تاریخ نشان داده‌اند. کمک خارجی که تحت چنین شرایطی انجام می‌شود احتمالاً در هدف ظاهری خود شکست خواهد خورد و با اجرای عملکرد رشوه برای گروه حاکم، وضعیت موجود اقتصادی و سیاسی را تقویت می‌کند. به احتمال زیاد مشکلات اجتماعی و سیاسی حل نشده را بیشتر از نزدیک کردن آن‌ها به حل برجسته می‌کند. یک تیم از کارشناسان بهره‌وری و حسابداران عمومی ممکن است عملیات باند آل کاپون را بهبود ببخشند. اما با این کار، این آسیب‌های اجتماعی و سیاسی را که عملیات آن باند به وجود آورده بود، تشدید می‌کند. با توجه به این مقاومت احتمالی گروه حاکم در برابر توسعه اقتصادی، کمک‌های خارجی به عنوان شرط لازم برای موفقیت خود نیاز به تغییر شدید سیاسی دارد. کمک‌های خارجی باید همزمان با تغییرات سیاسی، یا به طور داوطلبانه از درون یا از طریق فشار از خارج ایجاد شود. در گزینه دوم با یک معضل روبه‌رو خواهد شد. از یک طرف، دادن کمک خارجی برای توسعه اقتصادی بدون شرایط الزام‌آور که شانس موفقیت را به حداکثر برساند، مطمئناً شانس شکست را به حداکثر می‌رساند. از سوی دیگر کمک پشت‌سرهم سوءظن بیگانه‌هراسی و کینه‌های ملی گرایانه، که هم توسط مدافعان وضع موجود و هم از طرف مروجین انقلاب کمونیستی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد را ایجاد می‌کند. به علاوه، هنگامی که کسی تصمیم گرفت تغییرات سیاسی را در مخالفت با گروه حاکم ایجاد کند، باید برخی گروه‌های جایگزین را به عنوان ابزار تغییر سیاسی شناسایی کرد. گاهی اوقات تنها انتخاب در میان گروه‌های جایگزین به همان اندازه گروه حاکم جذاب نیستند. گاهی اوقات و نه هرازگاهی، عدم وجود گروه جایگزین تنها انتخاب بین ایجاد یک کار یا انجام ندادن کاری را برای شما باقی می‌گذارد.

در نهایت، پیشرفت بدون قید و شرایط تحولات اجتماعی در کشورهای اهداکننده کمک شرایط ضروری را بری توسعه اقتصادی به‌وجود می‌آورد، اما این کار به نظر می‌رسد چیزی شبیه یک انقلاب غیر قابل کنترل را نیز ایجاد خواهد کرد. در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته، صلح و نظم فقط با استفاده بی‌رحمانه از انحصار زور توسط گروه حاکم حفظ می‌شود. دخالت قاطع و فنی کمک‌های خارجی در دوباره به حرکت در آوردن و یا تضعیف گروه حاکم با مشکلات اندکی مواجه باشد یا شود. پایان بخشیدن به چیزی که از این طریق ایجاد شده است، کار آسانی نیست. وقتی که که ملت مداخله‌گر ممکن است بتواند حوادث را تا حد تحریک اصلاحات و انقلاب شدید کنترل کند ممکن است تخمین بزند که قادر به کنترل روند انقلاب نیست. خصوصاً بیشتر یک ملت دموکراتیک، مانند ایالات متحده، در رقابت با کمونیست‌ها در کنترل یک انقلاب، بسیار ناتوان است. انقلاب ممکن است شروع شود، همان‌طور که در کوبا شروع شد، تحت حمایت دموکراتیک توده‌های مردم برای اصلاحات اجتماعی و توسط ایالات متحده حمایت شود و ممکن است در طول توسعه به یک انسجام بسیار سازمان‌یافته برسند، اما اقلیت کمونیست انضباطی تنها گروه سازمان‌یافته و منضبط در صحنه خواهد بود.

«کمک موفقیت‌آمیز خارجی برای توسعه اقتصادی ممکن است نتایج سیاسی نیز به همین ترتیب نگران‌کننده داشته باشد. توسعه اقتصادی، به ویژه از طریق صنعتی‌شدن، قطعاً ساختار اجتماعی ملت توسعه نیافته را برهم می‌زند با ایجاد یک طبقه پرولتاریای صنعتی شهری، رابطه اجتماعی خانواده، روستا و قبیله را (که در آن فرد خود را امن دیده بود) سست نموده و از بین می‌برد» و حداقل به زودی قادر نخواهد بود جایگزینی برای این جهان اجتماعی گم‌شده فراهم کند. خلاء ایجادشده با ناآرامی‌های اجتماعی و سراسیمگی سیاسی پر خواهد شد. علاوه بر این، این مردم مستضعف که در یک جهان ثابت از بدبختی غیرقابل حل زندگی می‌کنند، قهرمانان احتمالی انقلاب نیستند.

باشند، اما کوتاه از تحول معجزه‌آسای هوش جمعی آن‌ها و شخصیت آن‌چه از خارج دریافت می‌کنند به احتمال زیاد برای توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در حال حاضر سایر ملل از لحاظ خصوصیات خاص و ذاتی که در ساخت یک سیستم اقتصادی مدرن نقش دارند، داری نقض هستند حتی اگر قابلیت‌های عمومی یا ذاتی آن‌ها به‌طور بالقوه آن‌ها را برای تحول لازم در شرایط بعدی واجد شرایط کند. اگر بخواهیم از یک قیاس تقریبی استفاده کنیم، در یک مرحله قرون وسطایی از توسعه فرهنگی، هنوز در انتظار معادل انقلاب اخلاقی و انقلابی مفهومی هستیم که در قرن شانزدهم و هفدهم، پیش شرط‌های فرهنگی را برای توسعه اقتصادی غرب ایجاد کرده است. با این حال، ما می‌خواهیم وجود این پیش‌شرط‌ها را امری مسلم و بدیهی بدانیم اما فراموش می‌کنیم که بدون عرفی‌سازی و عقلانی شدن اندیشه و جامعه غربی، تولید صنعتی غرب امکان‌پذیر نخواهد بود. تمدنی مانند برمه که موفقیت در این دنیا را به علت این‌که در دنیای دیگر مانع موفقیت است، مذموم می‌داند. یک مانع فرهنگی در مسیر توسعه صنعتی قرار می‌دهد، که کمک‌های خارجی به خودی خود نمی‌تواند بر آن غلبه کند. پس‌انداز، یعنی حفظ سرمایه یا کالا برای سرمایه‌گذاری یا استفاده در آینده، چنان جزئی از تفکر و عمل اقتصادی ما شده است که درک این‌که صدها میلیون نفر در مناطق توسعه‌نیافته جهانی که از این نحوه عملکرد غافل هستند، قابل توجه برای توسعه اقتصادی است. ما آمده‌ایم که شرکت تولیدی را به عنوان یک پیوستار در نظر بگیریم که در بهبود آن مالک یا مدیر دارای یک سهم مشخصی است. با این وجود در بسیاری از مناطق توسعه‌نیافته، بنگاه تولیدی در درجه اول به عنوان ابزاری برای بهره‌برداری مالی در نظر گرفته می‌شود، هنگامی که وظیفه خود را به عنوان بزرگترین بازده مالی در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای صاحب موقت انجام دهد، از کار انداخته می‌شود. کمک خارجی که در چنین قالب سرمایه‌ای و مقدماتی ریخته می‌شود، احتمال تبدیل قالب از مجبور شدن همراه آن کمتر است. از طریق روش‌هایی که از قبل به سختی قابل پیش‌بینی است در کانال‌های در خدمت منافع یک جامعه پیش سرمایه‌ای یا مقدماتی باشد. منافع اقتصادی که تمایل به جلوگیری از استفاده کمک‌های خارجی برای توسعه اقتصادی دارند به طور معمول با گروه‌های حاکم در جوامع توسعه‌نیافته شناخته می‌شوند که قدرت سیاسی خود را به خوبی از وضعیت موجود اقتصادی به‌دست می‌آورند. مالکیت و کنترل زمین‌های قابل کشت در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته بنیان قدرت سیاسی است. اصلاحات ارضی و صنعتی‌شدن در نتیجه حمله به وضع موجود سیاسی است. در مقیاسی که موفق می‌شوند، قطعاً باید بر توزیع قدرت اقتصادی و سیاسی به طور یکسان تأثیر بگذارند. با این وجود ذی‌نفعان وضع موجود اقتصادی و سیاسی، دریافت‌کنندگان معمول کمک‌های خارجی هستند که با هدف تغییر وضعیت موجود ارائه می‌شوند. درخواست از آن‌ها برای استفاده از کمک‌های خارجی برای این منظور نیاز به آمادگی برای ایثار و احساس

توسعه اقتصادی، به ویژه از طریق صنعتی‌شدن، قطعاً ساختار اجتماعی ملت توسعه نیافته را برهم می‌زند با ایجاد یک طبقه پرولتاریای صنعتی شهری، رابطه اجتماعی خانواده، روستا و قبیله را (که در آن فرد خود را امن دیده بود) سست نموده و از بین می‌برد

به این دلیل ممکن شده است که برخلاف کشورهای در حال توسعه آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، دریافت‌کنندگان کمک مارشال از جمله کشورهای برجسته صنعتی جهان بوده‌اند که سیستم‌های اقتصادی آن‌ها به طور موقت دچار بی‌نظمی و آسیب شده است. از سوی دیگر در اذهان عامه و از طریق آن بیشتر اقدامات کمک‌های خارجی بر خواسته از برخی فرضیات بررسی نشده به دلیل عمیق بودن در فرهنگ عامیانه سیاسی امریکایی است. بنابراین اذهان عمومی ارتباطات بین تزریق سرمایه و فناوری در یک جامعه بدوی و توسعه اقتصادی آن، بین توسعه اقتصادی و ثبات اجتماعی، بین ثبات اجتماعی و نهادهای دموکراتیک، بین نهادهای دموکراتیک و یک سیاست خارجی صلح‌آمیز را ایجاد کرده است.

هر چند شاید جذابیت و اطمینان بخش بودن این همبستگی‌ها مورد نظر امریکایی‌ها قرار بگیرد، آن‌ها نه با تجربه‌هایی که ما با سیاست‌های کمک به خارج از کشور داشته‌ایم و نه با تجربه عمومی تاریخی به اثبات رسیده‌اند. اولین فرضیات حاکی از آن است که توسعه نیافتگی حداقل در درجه اول نتیجه کمبود سرمایه و دانش فنی است. توسعه نیافتگی به عنوان نوعی تضاد یا در بدترین حالت نوعی بیماری کمبود قلمداد می‌شود که می‌تواند از طریق تزریق زیر جلدی مواد از دست‌رفته مورد مراقبت قرار گیرد. با این حال ممکن است یک ملت از ناتوانی‌هایی رنج ببرد، برخی طبیعی و غیرقابل کنترل، دیگران اجتماعی و قابل ترمیم که بدون هیچ سرمایه و تکنولوژی نمی‌داند چطور باید این مراقبت را انجام دهد. فقر منابع طبیعی ممکن است به گونه‌ای باشد که توسعه اقتصادی را غیرممکن سازد؛ به همین دلیل احتمالاً کشورهایمانند اردن و سومالی به طور دائمی قادر به توسعه اقتصادی نیستند. بسیاری از کشورهایی که چندین سال دریافت‌کننده کمک‌های معیشتی هستند، احتمالاً در همین گروه قرار می‌گیرند. یک ملت ممکن است از کمبود منابع انسانی که مانع توسعه اقتصادی است، رنج ببرد. از آن‌جا که افرادی وجود دارند که ویژگی‌های شخصیتی و سطح هوشی آن‌ها امکان استفاده از فرصت‌های اقتصادی را برای آن‌ها غیرممکن می‌سازد، آیا ملتها نیز به طور مشابه علیل هستند. به صراحت بگوییم: همان‌طور که گداها و ولگردها وجود دارند، آیا ولگردها و گداها ملت هستند؟ آن‌ها ممکن است دریافت‌کنندگان خیرات

خاص دریافت کند، دقیقاً مانند مزیتی که برای رشوه دریافت شده است. همچنان ویژگی چشم‌گیر کمک‌های اعتباری یک رابطه امتیازی را بین اهداکننده سخاوتمند و افزایش اعتبار گیرنده برقرار می‌کند. اعتبار اهداکننده با افزایش اعتبار گیرنده افزایش پیدا می‌کند. در نهایت کمک‌های اعتباری نسبتاً تحقیرآمیز و کم‌ارزش می‌شوند. تعهد محدود منابع مجدد در قالب دیدنی و با شکوه اما از لحاظ اقتصادی غیر سودمند و تنها سمبلی از مدرنیته، ممکن است سودهای سیاسی متناسب نداشته باشد. از این‌رو اهداکننده کمک‌های اعتباری به خوبی آگاهی از کمک‌های اعتباری و کمک برای توسعه اقتصادی دارند. با این وجود هر دو مورد به عنوان کمک‌های واقعی برای توسعه اقتصادی از سوی گیرنده تصور می‌شوند. دورنمای اهداکننده کمک اگر این تمایز را نداشته باشد به نظر می‌رسد دچار یک یا دور اشتباه می‌شود، با اشتباه گرفتن کمک‌های اعتباری به عنوان کمک برای توسعه اقتصادی، آن‌ها ممکن است منابع انسانی و مادی را در حمایت از دولت مورد نظر را هدر بدهند در صورتی که کمک به اعتبار آن دولت می‌توانست ساده‌تر و ارزان‌تر به‌دست بیاید. در غیر این صورت او [دولت کمک‌کننده] ممکن است، در خواسته برای کمک اعتباری را از دست بدهد زیرا نمی‌تواند آن را از نظر توسعه اقتصادی توجیه کند، بنابراین ممکن است از مزایای سیاسی موجود چشم‌پوشی کند. نمونه کلاسیک این خطا رد آسفالت کردن خیابان‌های کابل توسط امریکایی‌ها به عنوان اقتصادی نامعقول است. اتحاد جماهیر شوروی، با تعقیب کردن سیاست جهت‌دار کمک‌های خارجی خیابان‌های کابل را آسفالت کرد.

کمک‌های خارجی به صورت خاص برای توسعه اقتصادی

هیچ یک از انواع کمک‌های خارجی که تا کنون در مورد آن‌ها بحث صورت گرفته است، پرسش‌های نظری به این بزرگی را ایجاد نمی‌کند. بلکه آن‌ها موضوعاتی را مطرح می‌کنند برای کاربرد عملی اغوا و فریب که می‌تواند با موفقیت با یک حس مشترک و تجربه آزمایش شود. کمک‌های خارجی برای توسعه اقتصادی زمینه اصلی تجزیه و تحلیل نظری و گمانه‌زنی‌ها بوده است و همه این‌ها ماهیت اقتصادی داشته‌اند. تفکر اقتصادی، مطابق با سنت آکادمیک غالب آن، تمایل دارد به کمک‌های خارجی به عنوان این اندیشه که گویی این کار فنی کافی برای دستیابی به ابزاری است که با توجه به استانداردهای اقتصاد ناب بررسی می‌شود است و از زمان توسعه اقتصادی غرب از اولین انقلاب صنعتی به بعد که به دلیل شکل‌گیری سرمایه و انباشت دانش فنی بوده است. تمایل ما بر فرض گرفتن این است که این دو فاکتور عزم کشورهای توسعه‌نیافته در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است برای توسعه اقتصادی. این گرایش با موفقیت چشم‌گیر طرح مارشال به شدت پشتیبانی شده است. منشأ و انگیزه‌های سیاسی که در توجیه آن به‌عنوان یک معیار کاملاً اقتصادی برای تأمین سرمایه و دانش فنی به راحتی فراموش شدند. با این حال همیشه پذیرفته نیست که این موفقیت فقط

واقعی ندارد. این کار اعتبار کشور گیرنده را در داخل و بیرون افزایش می‌دهد. با در اختیار داشتن برخی از ابزارهای چشم‌گیر جنگ مدرن، یک ملت حداقل می‌تواند از توهم تبدیل‌شدن به یک قدرت نظامی مدرن لذت ببرد. همان‌طور که امروز رشوه در کسوت کمک به توسعه اقتصادی ظاهر می‌شود، همچنین کمک به توسعه اقتصادی در ظاهر کمک‌های نظامی انجام می‌شود. در جلسه ۱۹۶۱، به منظور موضع‌گیری، کنگره ۴۲۵ میلیون دلار برای کمک اقتصادی به مناطق استراتژیک اختصاص داد و این احتمال وجود دارد که در کل اعتبارات بیش از ۲ میلیارد دلار برای کمک‌های نظامی سایر موارد کمک اقتصادی پنهان باشد. این نحوه عملکرد ناشی از عدم تمایل کنگره برای رأی‌دادن مبالغ زیادی برای کمک اقتصادی در مقابل آمادگی آن برای رأی‌دادن تقریباً هر مبلغی است که برای اهداف نظامی درخواست شود. با این که اهداف مبنی بر کمک به توسعه اقتصادی، مبدل به عنوان کمک نظامی می‌شوند، ناپویا (ناکار آمد) می‌شود.

همان‌طور که دیدیم اهداف رشوه در صورت مبدل شدن به عنوان کمک برای توسعه اقتصادی، پویایی خود را از دست می‌دهد. زمینه نظامی که در آن چنین کمک‌هایی موظف به فعالیت است، حتی اگر مدیریت مستقیم آن در دست مقامات غیرنظامی باشد، احتمالاً این کمک‌ها را از اهداف اصلی آن منحرف می‌کند. به ویژه این نیاز همیشگی را برای کمک‌های نظامی در راستای توسعه اقتصادی تقویت می‌کند. کمک‌ها در قالب پرستیژ یا رشوه‌های مدرن مشترک هستند و این واقعیت که هدف واقعی آن نیز با هدف ظاهری توسعه اقتصادی یا کمک‌های نظامی پنهان شده است. کارخانه سودآور یا بی‌کار فولاد، بزرگراهی بدون ترافیک و منتهی به هیچ کجا، شرکت هواپیمایی با پرسنل خارجی و با ضرر اما تحت پرچم کشور گیرنده، همه در ظاهر اهداف توسعه اقتصادی را دنبال می‌کنند و تحت شرایط مختلف ممکن است این کار را انجام دهند. در حقیقت آن‌ها هیچ عملکرد اقتصادی مثبتی ندارند. آن‌ها موجودیت خود را مدیون میل شدیدی است که در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته وجود دارد و صنعتی‌سازی خوانده می‌شود؛ نمادهای تماشایی و یادبودهای پیشرفت صنعت به جای سرمایه‌گذاری‌هایی که نیازهای اقتصادی عینی کشور را تأمین می‌کنند. این گرایش نور ماهیتی را که به طور کلی «انقلاب افزایش انتظارات» خوانده می‌شود، روشن می‌کند. ما ترجیح می‌دهیم که فرض کنیم که تمایل فوری افراد به منظور بهبود بخشیدن با استفاده از فناوری و صنعت مدرن یک روند جهانی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است. در واقع این یک روند جهانی است فقط به این معنا که تقریباً همه ملت‌های توسعه‌نیافته می‌خواهند این طور به نظر برسند که در صنعتی شدن دستاوردی داشته‌اند، در حالی که تنها کسری از جمعیت و غالباً فقط گروه‌های کوچک نخبه در آن به دنبال منافع اجتماعی و اقتصادی صنعتی شدن هستند و مایلند اقدامات لازم برای دستیابی به آن‌ها را انجام دهند. برای بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته کارخانه فولادسازی، بزرگراه، شرکت هواپیمایی و سلاح‌های مدرن عملکرد اقتصادی و نظامی ندارد بلکه عمل کرد سیاسی و روانی دارد. در واقع آن‌ها به عنوان نمایش بیرونی مدرنیته و قدرت جست‌وجو می‌شوند. عملکردی مشابه عملکرد کلیسای جامع را برای شهر قرون وسطایی و قلعه فئودالی یا کاخ پادشاه برای دولت مطلق انجام می‌دهند. گفته می‌شود هنگامی که نهر سد جدیدی را به چون‌آن‌لای نشان می‌داد گفت: «در این معابد است که من عبادت می‌کنم.» هرچه کشور در سطح پایین‌تر از توسعه قرار داشته باشد و موفقیت ملت کمتر باشد، بیشتر احتمال اصرار آن‌ها برای اثبات خود وجود دارد، و این نتیجه کمک‌های مستقیمی است که برای حفظ جایگاه یا پرستیژ تا اواسط قرن بیستم انجام شده است. مزیت برای اعطای کننده‌های کمک اعتباری سه گانه است؛ او ممکن است در ازای کمک، یک مزیت سیاسی



سفیر جمهوری اسلامی در مسکو:

پیشنویس قرارداد ۲۰ ساله نظامی، امنیتی، اقتصادی ایران با روسیه آماده شد



او با رد انتقادات به اقدامات مقام‌های جمهوری اسلامی برای انعقاد قرارداد ۲۰ ساله جدید با روسیه، گفت که «خیلی‌ها تصوراتشان از روسیه، عصر کمونیستی و تزاری است در حالی که روسیه در ۲۰ سال گذشته پیشرفت‌های بسیار زیادی را انجام داده و یک روسیه جدید است و خیلی از روس‌ها هم «جمهوری اسلامی ایران و ایران نوین را با ظرفیت‌های جدیدی که اتفاق افتاده، نمی‌شناسند.» جلالی افزود که «ما یکسری روس‌شناس در داخل ایران و یکسری ایران‌شناس در داخل روسیه داریم که برخی از اینها تبدیل به کسانی شده‌اند که مرتب مسائل گذشته را به رخ هم می‌کشند و شاید در ذهن مردم نیز قرارداد ترکمنچای و گلستان باشد»، اما نمی‌توان «روابط امروز

پوتین و پاسخ پوتین به آن، بنابر این است که مدت این قرارداد بیش از دو دهه باشد. او گفت که در نامه‌های به پوتین، حوزه‌های مختلفی از جمله موضوع توافقنامه آینده میان ایران و روسیه که باید انجام شود و هم همکاری‌های اقتصادی در این نامه مطرح شده است. جلالی جزئیات توافقنامه جدید جمهوری اسلامی با روسیه را اعلام نکرد ولی درباره ویژگی‌های آن، گفت که دلیل اینکه موافقتنامه قبلی ۲۰ سال از عمرش می‌گذرد نیاز بود که توافقنامه جدید با توجه به شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین روند توسعه‌ای در ایران و روسیه نوین، نگاشته شود.

اطلاعات روز: کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو، از آماده شدن متن قراردادی برای تبدیل «معاهده روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی و روسیه» به توافق نامه ۲۰ ساله سیاسی، امنیتی، نظامی، دفاعی و اقتصادی خبر داد.

به گزارش ایران اینترنشنال، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو طی یک برنامه تلویزیونی گفت که این قرارداد با تاکید علی‌خامنه‌ای تدوین و پیشنهاد آن از سوی سفارت ایران در روسیه برای بررسی نهایی به وزارت امور خارجه ارسال شده است.

جلالی افزود که بر اساس نامه‌ای که علی‌خامنه‌ای به ولادیمیر پوتین نوشته و پاسخی که پوتین داده موضوع بر این است که مدت این قرارداد را بیش از دو دهه یا بیشتر کنیم.

سفیر ایران در روسیه تاکید کرد که بنا داریم در توافق نامه جدید، ظرفیت‌های جدیدی که در دو کشور بوجود آمده در کنار همدیگر متصل شود و روابط را در عرصه‌های مختلف گسترش دهیم و این توافقنامه در عرصه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی، دفاعی و اقتصادی است.

جلالی با اشاره به «معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» که اسفند سال ۷۹ در مسکو میان مقام‌های جمهوری اسلامی و روسیه امضا شد و دی ماه ۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، گفت که آن قرارداد به شکل خودکار پنج سال تمدید شده است.

با این حال جلالی به درخواست خامنه‌ای از پوتین برای قرارداد جدید اشاره کرد و اضافه کرد بنابر نامه خامنه‌ای به

دولت امریکا با دسترسی ایران به پول‌های مسدود شده برای پرداخت به صادرکنندگان جاپانی و کوریایی موافقت کرد

حالی منتشر شده که وزارت خارجه ایران دو روز پیش در گزارشی به مجلس با ذکر جزئیات، به پیشرفت‌هایی پرداخته بود که تا کنون در شش دور مذاکرات وین به دست آمده بود. در این گزارش لیستی نیز از مصادیق رفع تحریم ارائه شده بود که در صورت توافق در وین رفع خواهد شد.

در بخشی از گزارش وزارت خارجه ایران با اشاره به مذاکرات غیر مستقیم تهران و واشنگتن در وین آمده: «خروجی این مذاکرات سه پیوست خواهد بود: رفع تحریم‌ها (تعهدات آمریکا)، اقدامات هسته‌ای (تعهدات ایران)، و طرح اجرایی (چگونگی اجرای از جمله راستی آزمایی)».

اخیرا نیز گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد مقامات دو کشور در حال ریزنی برای آزادی متقابل زندانیان‌شان هستند.

مذاکرات وین بعد از شش دور و با وجود ابراز خوش‌بینی بعضی مقام‌ها از جمله حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران تا کنون به نتیجه نرسیده است.

با این حال ایران و آمریکا گفته‌اند به حضور خود در وین و مذاکرات تا زمانی که امیدی برای رسیدن به توافق باشد، ادامه می‌دهند.

ایالات متحده «موافقت اصولی» خود را با آزادسازی دارایی‌های ایران در این کشور و انتقال آن از طریق کانالی مالی در سوئیس اعلام کرده است.

خبر دسترسی ایران به پول‌های مسدود شده برای پرداخت به صادرکنندگان کوریایی جنوبی و جاپان در



تحریم‌ها، ایران مذاکراتی را برای آزادسازی پول‌های مسدود شده با این دو کشور انجام داده و در مواردی هم تهدید به اقدامات حقوقی هم کرده است.

تصمیم جدید امریکا برای دسترسی ایران به بخشی از پول‌های مسدود شده همزمان با تلاش مأموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی برای ربودن مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار و فعال مدنی ایرانی که ساکن نیویورک است انجام شده است.

نشریه امریکایی «فری‌بیکن» گزارش داده که دولت جو بایدن به توافق نهایی با حکومت ایران جهت رفع تحریم‌های وضع شده نزدیک می‌شود اما انتظار می‌رود اعضای جمهوریخواه کنگره تلاش کنند مانع از اجرای این برنامه شوند.

این نشریه همچنین گفته که کاهش فشار اقتصادی بر ایران با تشدید فعالیت آن «در تامین منابع مالی گروه‌های تروریستی و برنامه تولید اسلحه اتمی همزمان شده» و یادآور شده که تحریم‌های وضع شده در دولت دونالد ترامپ «در صدد قطع درآمد رژیم ایران» برای دنبال کردن برنامه‌های این کشور بود.

اسفند ماه پارسال (۱۳۹۹) رسانه‌های کوریایی جنوبی به نقل از مقام‌های امریکایی گفته بودند که

اطلاعات روز: وزارت امور خارجه امریکا کنگره این کشور را مطلع کرده که معافیت‌های تازه‌ای در مورد تحریم‌های ایران در نظر گرفته است.

به گزارش بی بی سی فارسی، بر اساس این معافیت، پرداخت پول‌های مسدود شده ایران در جاپان و کوریایی جنوبی فقط به منظور پرداخت به صادرکنندگان این دو کشور مجاز شناخته شده است.

این نامه که به امضای آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا رسیده، پرداخت به صادرکنندگانی را شامل می‌شود که قبلاً اقلام غیرتحریمی به ایران ارسال کرده بودند؛ از این رو معافیت جدید به لحاظ قانونی با ماهیت تحریم‌های امریکا در تضاد نیست.

به گفته وزارت خارجه امریکا انتقال پول‌های آزاد شده به ایران مجاز نیست.

مجموع دارایی‌های مسدود شده ایران در این دو کشور حدود ۱۰ میلیارد دلار اعلام شده است که از این مقدار ۷ میلیارد دلار در بانک‌های کوریایی و سه میلیارد دلار هم در جاپان است؛ این پول‌ها مرتبط با درآمدهای نفتی ایران است که به قبل از تحریم‌های امریکا باز می‌گردد.

با کاهش منابع ارزی ایران به دلیل شدت یافتن



دکترهنی، اوبولگولو، مالدار وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالدار

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

د افغانستان اسلامی جمهوریت
جمهوری اسلامی افغانستان



«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالدار در نظر دارد تا پروژه (تدارک و نصب یک پایه ماشین پی سی آر ۷۵۰۰ برای لابراتوار مرکزی با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G284/1400) را به محترم برادران یحیی حکیمی لمیتد دارای جواز نمبر (۸۰۵۱-۰۱۰۱) به قیمت مجموعی مبلغ (۳,۲۰۰,۰۰۰) سه میلیون و دو صد هزار افغانی اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالدار واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: خادم حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه آرا: محمدرضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدرحیم جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای ارزهای دیجیتال در افغانستان

رضا صفری

ارز دیجیتال یک شکل از پول الکترونیکی است. بیشتر ارزهای دیجیتال به منظور امنیت بیشتر، حذف واسطه‌ها و ناشناس بودن طراحی شده‌اند. ارزهای دیجیتال، ارزی هستند که از رمزنگاری برای انتقال در اینترنت استفاده می‌کنند، رمزنگاری‌های ارزهای دیجیتال غیرقابل هک و پی‌گیری هستند.

اولین ارز دیجیتال بیت‌کوین (Bitcoin) است که در سال ۲۰۰۹ ایجاد شد و اکنون پادشاه دنیای ارزهای دیجیتال است. در چند سال گذشته ارزهای دیجیتال زیادی معرفی و عرضه شده‌اند. در حال حاضر بیشتر از یک هزار نوع ارز دیجیتال در بازارهای جهانی وجود دارد اما شاید اکثر مردم همان پنجاه تای اول را بشناسند.

ارزهای دیجیتال به منظور امنیت و ناشناس بودن ساخته شده‌اند. تقلب در انتقالات ارزهای دیجیتال جایگاهی ندارد. کسی مالک آن‌ها نیست و کسی نمی‌تواند آن‌ها را متوقف یا هک کند. غیرمتمرکز است و واسطه‌ها را حذف می‌کند. استفاده از ارزهای دیجیتال نیاز به ثبت نام یا مدارک ندارد. پروسه استخراج برای همه امکان‌پذیر است و همه می‌توانند با سخت‌افزارهای مناسب از آن کسب عاید کنند. به همین دلایل محبوبیت این ارزها در سراسر جهان روزبه‌روز بیشتر شده است اما از آنجایی که هر بازاری نیازمند مقررات و قوانین است تا کارایی لازم را داشته باشد بازار ارزهای مجازی نیز نیازمند مقررات و قوانین دولتی است چرا که ارزهای ملی توسط ملت‌ها کنترل می‌شود. بنابراین هر کشوری باید به سمت ثبت قوانین و مقررات برای مبادلات این نوع ارزها برود و اگر چنین شود مشتری‌ها با وجود چنین مقررات و قوانینی که دولت‌ها ایجاد می‌کنند به این بازارها اطمینان پیدا کرده و احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کنند که این خود باعث محبوبیت بیشتر این ارزها خواهد شد.

در کتاب صنایع آینده نوشته الک راس (۲۰۱۶) که در آن آینده اقتصاد دنیا در صنایع نظیر هوش مصنوعی، ژنتیک، رباتیک توصیف شده، عنوان شده ارزهای دیجیتال نیز جایگاهی مهم در آینده خواهند داشت. درباره ارزهای دیجیتال می‌توان گفت که این اولین دستاورد بشری در دنیای دیجیتال است که مرزبندی‌های سیاسی درباره آن مصداق ندارد؛ یعنی شما وقتی از ارزهای دیجیتال استفاده می‌کنید اصلاً مهم نیست در کجای این جهان زندگی می‌کنید، شهروند چه کشوری هستید، چه دینی دارید و از چه قوانینی پیروی می‌کنید. به همین دلیل این ارزها محبوبیت زیادی پیدا کردند و همچنان رشد می‌کنند و در پی این همه‌گیر شدن پول‌های مجازی یا ارزهای دیجیتال سخت‌زیر ذره‌بین قرار دارند و همه کشورها در تلاش هستند در استفاده و بهره‌برداری از آن پیشرو باشند و از بقیه عقب نمانند و احتمالاً به‌زودی شاهد قوانین صحیح استفاده از آن‌ها خواهیم بود. جدیدترین آمار و گزارش‌های خبری نشان می‌دهد استفاده از ارزهای دیجیتال در جهان به ویژه در منطقه آسیا-اقیانوسیه از استقبال فراوانی برخوردار است و هر روز بر میزان محبوبیت آن افزوده می‌شود.

کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا که بازارهای مالی نیویورک را تنظیم می‌کند، به



شرکت‌کنندگان در بازار اخطار داده است، ارائه و فروش دارایی‌های دیجیتالی از طریق سازمان‌های مجازی باید تحت الزامات قوانین اوراق بهادار فدرال انجام گیرد. بانک مرکزی انگلیس، رگلاتور مالی اصلی انگلستان، معتقد است که ارزهای دیجیتالی با ارزهای استاندارد مانند استرلینگ و دلار بسیار متفاوت هستند، چراکه آن‌ها فقط به میزان محدود و برای تعداد کمی از افراد به‌عنوان پول عمل می‌کنند و معتقد هستند ارزهای دیجیتالی بیشتر شبیه سرمایه‌گذاری عمل می‌کنند تا یک روش پرداخت.

در این میان افغانستان در برابر این ارزها مخالفتی اعلام نکرده است و در بخش قانون‌گذاری ارزهای دیجیتال نیز قانونی وضع نکرده است.

تاریخچه پول مجازی یا ارز دیجیتال

اوایل فوریه سال ۲۰۰۹، ساتوشی ناکاموتو در وبسایت «پی تو پی فاندیشن» برای اولین بار از پول دیجیتال حرف زد و نوشت: «من یک سیستم پرداخت الکترونیکی متن باز (Open Source) ایجاد کرده‌ام که بیت‌کوین نامیده می‌شود، با سیستم کنترل‌کننده غیر متمرکز، بدون سرور مرکزی یا تکیه بر نهادهای اعتباری.» ناکاموتو که اعتماد را عنصر اساسی در تولید، توزیع و گردش ارزهای رایج در سیستم‌های مالی جهان می‌دانست در توضیح چرایی نیاز به پول دیجیتال، به نقض همیشگی این اعتماد در تاریخ سیستم‌های مالی اشاره کرد. او معتقد بود برای ساده‌کردن نقل و انتقالات مالی باید از طریق «واسطه» یا فرد یا نهادی که نقش حلقه واسط را دارد فاصله گرفت. راه‌حل، به اعتقاد او پول دیجیتال بود که براساس اصل شناسایی رمزهای توافق‌شده بین طرفین معامله عمل می‌کند. ایده ناکاموتو از اواخر همان سال به اجرا درآمد و تا این لحظه بیش از هجده و نیم میلیون بیت‌کوین در شبکه اینترنت توزیع شده است.

ریاضیاتی که پشت سیستم بیت‌کوین فعالیت می‌کند بسیار پیچیده است و از نظر تکنیکی حداکثر تعداد بیت‌کوین‌هایی که در طول یک دوره قابل تولید است به ۲۱ میلیون محدود می‌شود. به همین منظور هیچ بانکی نمی‌تواند این خیل عظیم بیت‌کوین را تولید کند یا این که زمینه را برای کاهش و افزایش ارزش

آن‌ها در طول چرخه فعالیت‌شان فراهم آورد. هر واحد پول دیجیتالی بیت‌کوین که در ابتدا کمتر از چند سنت ارزش داشت، اما این روزها به قیمت بالاتر از ۶۰ هزار دلار رسیده است که دلیل عمده آن بحران بیماری کرونا و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ در این مارکت است. شرکت تسلا یک و نیم میلیارد دلار بیت‌کوین خریداری کرده است و اعلام کرد در معاملات خود ارزهای دیجیتال را برای پرداخت می‌پذیرد.

قابلیت‌های ارز دیجیتال

پول دیجیتالی به‌طور ساده یک کد رمزنگاری شده است که در شبکه‌ای از کاربران می‌تواند از آن برای پرداخت به‌عنوان پول استفاده کرد، یک پول دیجیتال، یک پروتکل و یک نرم‌افزار است با قابلیت‌های زیر است:

- انتقالات نظیر به نظیر آنی،
- پرداخت‌های جهانی،
- هزینه‌های پروسس کم و یا صفر.

ارزهای دیجیتال مشهور

بیت‌کوین Bitcoin اولین و محبوب‌ترین ارز دیجیتال است. بیت‌کوین توسط فردی (یا افرادی) ناشناس به نام ساتوشی ناکاموتو در سال ۲۰۰۹ عرضه شد. ارزش کل بازار بیت‌کوین اکنون بیش از ۱۷۹،۱۶ میلیارد دلار است. اتریوم (Ethereum) در سال ۲۰۱۵ توسعه یافته است. اتریوم بلاک‌چین مخصوص خود را دارد، به همین دلیل به آن بلاک‌چین دوم هم گفته می‌شود. اتریوم فقط یک روش پرداخت نیست. روی بلاک‌چین اتریوم، قراردادهای هوشمند غیرمتمرکز اجرا می‌شود. بیش از ۹۰ درصد توکن‌های موجود روی پلتفرم اتریوم فعالیت می‌کنند و حجم بازار آن ۲۹،۶۲ میلیارد دلار می‌باشد.

ریپل (Ripple) ریپل یکی دیگر از پلتفرم‌های غیرمتمرکز مشهور است. ریپل در سال ۲۰۱۲ با هدف ایجاد ظرفیت معاملات بالا عرضه شد که حجم بازار آن برای فعلاً به ۱۶،۶۴ میلیارد دلار رسیده است.

لایت‌کوین (litecoin) این ارز با تغییراتی در بیت‌کوین مانند انجام سریع‌تر معاملات و استخراج راحت‌تر، در سال ۲۰۱۳ عرضه شد که حجم بازار آن برای فعلاً ۷،۱۹ میلیارد دلار رسیده است.

بلاک‌چین (BlockChain)

فناوری بلاک‌چین اساساً یک پایگاه داده توزیع‌شده از اسناد و یا دفتر کل عمومی «از همه انتقالات یا رویدادهای دیجیتال» است که توسط اجزای تشکیل‌دهنده‌اش به شکل مشترک اجرا می‌شود. هر معامله در دفتر کلی عمومی با توافق اکثریت اجزای سیستم محقق می‌گردد. اطلاعاتی که یک‌بار وارد سیستم شده باشد، هرگز پاک نمی‌شود. بلاک‌چین برای هر معامله منحصر به فردی که ایجاد شده باشد، اطلاعات قطعی و قابل بازبینی را ثبت می‌کند.

به زبان ساده تر می‌توان گفت بلاک‌چین یک پایگاه داده‌ای به اشتراک گذاشته‌شده است که هر چیزی به این پایگاه داده اضافه شود، یک رکورد جدید است.

کیف پول دیجیتال (Digital wallet)

یک کیف پول نرم‌افزاری است که کلیدهای عمومی و خصوصی مرتبط با بلاک‌چین را در خود نگه می‌دارد. از این کلیدها برای ارسال و دریافت داده‌های دیجیتالی در بلاک‌چین و ردیابی مانده حساب ارزهای دیجیتالی استفاده می‌شود. اگر شما بخواهید بیت‌کوین یا هر ارز دیجیتالی دیگری را استفاده کنید حتماً به یک کیف پول دیجیتالی نیاز خواهید داشت. میلیون‌ها نفر از مردم جهان از کیف پول‌های دیجیتالی استفاده می‌کنند، اما سردرگمی‌های زیادی در رابطه با این کیف پول‌ها در میان جامعه ارزهای دیجیتال وجود دارد. برخلاف کیف پول‌های معمولی، کیف پول‌های دیجیتالی هیچ مقدار ارز فیزیکی را در خود جای نمی‌دهند. در واقع ارزهای دیجیتالی در هیچ‌کجا و به هیچ صورت فیزیکی‌ای نگه‌داری نمی‌شوند. تمام اطلاعات موجودیت آن‌ها و انتقالات بر روی بلاک‌چین ذخیره می‌گردد.

وقتی که فردی به شما بیت‌کوین یا هر نوع ارز دیجیتالی دیگر می‌فرستد درواقع مالکیت این ارزها را به کیف پول شما انتقال می‌دهد. به‌منظور ارسال ارز دیجیتال، کلیدهای خصوصی‌ای که در کیف پول شما ذخیره شده‌اند باید با آدرس‌های عمومی‌ای که به ارزهای شما مرتبط است همخوانی داشته باشند. در این میان هیچ‌گونه انتقال فیزیکی از ارزها صورت نمی‌پذیرد. انتقال به‌صورت گزارشی بر روی بلاک‌چین انجام می‌شود و شما آن را در تغییر باقی مانده حساب ارزهای

دیجیتالی خود در کیف پول‌تان مشاهده می‌کنید.

انواع مختلف کیف پول‌های دیجیتالی

چندین نوع از این کیف پول‌ها با روش‌های مختلف در ذخیره‌سازی و دسترسی به ارزهای دیجیتال وجود دارند. کیف پول‌ها را می‌توان در سه دسته نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و کاغذی دسته‌بندی نمود. نوع نرم‌افزاری نیز می‌تواند به‌صورت برنامه‌ای روی کامپیوتر و لپ‌تاپ‌های شما، تلفن همراه یا به‌صورت آنلاین باشند.

دسکتاپ: در این نوع، شما با دانلود کیف پول و نصب آن بر روی کامپیوتر خود می‌توانید از آن استفاده نمایید. این کیف پول‌ها تنها می‌توانند از یک سیستم مشخص اجرا شوند که این سیستم همان سیستمی است که آن را دانلود نموده است. این نوع از کیف پول‌ها دارای امنیت بالایی هستند ولی در صورت ویروسی شدن یا هک شدن کامپیوتر شما، احتمال از دست رفتن سرمایه‌ها وجود دارد.

آنلاین: این کیف پول‌ها در بستری آنلاین اجرا می‌شوند و می‌توان از آن‌ها با هر دستگاهی و در هر جایی به کیف پول خود دسترسی پیدا کنید. باوجود این که، دسترسی به این کیف پول‌ها راحت است، اما کلیدهای خصوصی شما به‌صورت آنلاین و توسط برنامه‌های شخص ثالث ذخیره می‌گردند که در مقابل دزدی‌ها و حملات هکرها آسیب‌پذیر هستند. موبایل: کیف پول‌هایی که روی تلفن‌های همراه شما اجرا می‌شوند بسیار کاربردی هستند و می‌توان در هر جایی، از جمله مغازه‌ها، از آن‌ها استفاده نمود. این برنامه‌ها معمولاً با حجم کمتر و کاربری ساده‌تر نسبت به نمونه‌های دسکتاپی طراحی می‌شوند چراکه فضای روی تلفن‌های همراه محدودتر است.

سخت‌افزاری: این کیف پول‌ها از این جهت که کلیدهای خصوصی افراد را در بستری سخت‌افزاری نگه‌داری می‌کنند، با نمونه‌های نرم‌افزاری تفاوت دارند. این کیف پول‌ها اطلاعات انتقالات را به‌صورت آنلاین دریافت می‌کنند ولی ذخیره اطلاعات به‌صورت آفلاین صورت می‌گیرد که به نسبت موجب افزایش ایمنی آن‌ها می‌شود.

کاغذی: این گونه کیف پول‌ها به‌راحتی قابل استفاده هستند و امنیت فوق‌العاده بالایی را نیز به شما می‌دهند. از روی نام این گونه کیف پول‌ها می‌توان حدس زد که آن‌ها کلیدهای خصوصی شما هستند که روی کاغذ چاپ شده‌اند، اما این کیف پول‌ها در واقع نرم‌افزارهایی هستند که برای تولید امن چندین کلید و چاپ آن‌ها روی کاغذ به کار می‌روند. استفاده از این نوع کیف پول‌ها نیز بسیار آسان است. انتقال ارزهای مختلف به کیف پول کاغذی شما به‌وسیله آدرس‌های عمومی‌ای صورت می‌گیرد که روی کیف پول کاغذی مشخص شده‌اند. به‌علاوه در صورتی که بخواهید این ارزها را خرج کنید، تنها کافی است که آن‌ها را از روی کیف پول کاغذی به کیف پول نرم‌افزاری انتقال دهید. این کار که به‌اصطلاح «Wipe» گفته می‌شود را می‌توان به‌صورت دستی و با واردکردن کلیدهای دیجیتالی انجام داد و هم با اسکن کردن کیوآرکد روی کیف پول.



دکتره‌نی، اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان



موضوع: اصلاح روز دراعلان داوطلبی پروژه (تدارک ۱۵۰،۰۰۰ دوز واکسین طبق FMD جهت کمپاین واکسیناسیون مورد ضرورت ریاست صحت حیوانی) تحت نمبر تشخیصیه /MAIL PD/NCB/G106/1400

قبلاً ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری پروژه (تدارک ۱۵۰۰۰۰ دوز واکسین طبق FMD جهت کمپاین واکسیناسیون مورد ضرورت ریاست صحت حیوانی تحت داوطلبی شماره /MAIL/PD/NCB/G106/1400) را به اعلان داوطلبی سپرده که جلسه آفرگشائی آن به این شکل (ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر روز چهارشنبه مورخ ۲۶/۰۴/۱۴۰۰) تحریر یافته است که روز تاریخ مذکور اشتباهاً چهارشنبه ذکر گردیده است، این در حالیست که تاریخ فوق‌الذکر ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر روز شنبه مورخ ۲۶/۰۴/۱۴۰۰ درست میباشد.

بناءً به اطلاع داوطلبان واجد شرایط میم رساند تا در پروسه داوطلبی پروژه متذکره اشتراک نموده و آفرهای سر بسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرز العمل تدارکات عامه الی ساعت (۱۰:۰۰) قبل از ظهر روز شنبه مورخ (۲۶/۰۴/۱۴۰۰) ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مبلغ (۳۰۰۰۰۰) سه صد هزار افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.

آدرس مکان جلسه: دفتر جلسات آفرگشایی، منزل دوم تعمیر حفظ و مراقبت عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وبسایت NPA.GOV.AF داوطلبان در صورت عدم داوطلبی از وبسایت، داوطلبان می‌توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری، منزل اول به شکل رایگان بدست آورند.

محمد موسا شفق

فیلم «بودا از شرم فروریخت»، ساخته شده در سال ۲۰۰۷ میلادی با کارگردانی حنا مخملباف، با درنبد بودن شروع می‌شود. خانواده‌ی عباس و بختی (دو شخصیت محوری) مانع دیدن این پسر و دختر می‌شوند. مادر عباس، پای عباس را با ریسمانی می‌بندد تا او از خانه بیرون رفته نتواند. بختی (بخت‌آور) خردسال، به جای آن که مکتب برود، باید از طفلی نگهداری کند. او وقتی می‌بیند عباس به مکتب می‌رود، هوای درس خواندن به سرش می‌زند. بختی عباس را دیده بود که پایش بسته است. او از همان وضعیت الهام گرفت و با ریسمانی پای آن طفل را نیز بسته کرد و خودش چهاردانه تخم مرغ را به بازار برد تا بفروشد و قیمت آن را قلم و کتابچه بخرد. یا وقتی بختی در بازار، در جایی نشسته است تا تخم‌هایش را بفروشد، پشت سر او پرنده‌ای در میان قفسی به چشم می‌خورد.

در این فیلم، تعدادی کودکان خودسر، به آزار و اذیت بختی و عباس در مسیر رفتن به مکتب می‌پردازند. آنان بختی را دستگیر نموده و در یکی از مغازه‌های اطراف بودا زندانی می‌کنند. بر سر راه عباس چاله‌های حفر می‌کنند تا او در میان آن بیفتد.

در پایان فیلم، کودکانی که در نقش افراد مسلح هستند، بختی و عباس را محاصره می‌کنند. با چوب‌دست‌هایی که حکم تفنگ را برای آنان دارند، سوی عباس نشانه می‌رود و عباس خودش را به نشانه‌ی آن که مرده است، به زمین می‌اندازد. تا از یک سو خود را نجات دهد و از طرف دیگر، شاید بختی از این کار او برای نجات خودش الهام بگیرد. اما بختی در این فرصت فرار می‌کند. کودکان او را تعقیب می‌کنند تا این که بختی محاصره می‌شود. در کنار بختی، مردانی مشغول خرمن کوبیدن اند. بختی با چشمان اشک‌آلود از آنان طلب کمک می‌کند که او را از جنگل کودکان نجات دهد. او با تصور کود کانه‌اش می‌گوید: من تفنگ‌بازی را دوست ندارم. اما مردان خرمن کوب در قبال بختی و وضعیت رقت‌بار او بی‌تفاوت اند.

در این وقت عباس از جا بلند می‌شود و می‌بیند که بختی در محاصره‌ی کودکان است. او از دنبال بختی چندبار صدا می‌زند که «بختی بمیر تا که توره ایلا(رها) کنند». بختی خود را در زمین به نشانه‌ی مردن دراز می‌کشد و از جنگ اطفال نجات می‌یابد. فیلم هم در همین جا به پایان می‌رسد.

حکایت طوطی و بازرگان، یکی از مشهورترین حکایت‌های مثنوی مولوی است. در روزگاران گذشته بازرگانی بوده است. او روزی از روزها قصد سفر به هند می‌کند. به کنیزان و غلامان خود می‌گوید، هر کدام بگویید در برگشت از هندوستان برای شما چه هدیه بیاورم. هرکسی مطابق ذوق خود فرمایشی می‌دهد. بازرگان طوطی‌ای داشت که سخت دوست می‌داشت او را. «بود بازرگان و او را طوطی‌ای/ در قفس محبوس زیبا طوطی‌ای». (مولوی، ۱۳۷۸، دفتر اول: ۷۱) بازرگان رو به طوطی کرد و گفت: تو بگو که برایت چه بیاورم؟ «گفت طوطی را چه خواهی ارمغان/ کآرمت

طوطی عصر شرمندگی



درجا مرد. «گفت نی من خود پشیمانم از آن/ دست خود خایان و انگشتان گزان.../ گفت ای خواجه پشیمانی ز چیست/ چیست آن کاین خشم و غم را مقتضی است/ گفت گفتم آن شکایت‌های تو یا گروهی طوطیان همتای تو/ آن یکی طوطی ز دردت بوی برد/ زهره‌اش بدرید و لرزید و بمرد». (همان: ۷۶)

وقتی طوطی این سخن را از زبان بازرگان شنید: «چون شنید آن مرغ کن طوطی چه کرد/ پس بلرزید اوفتاد و گشت سرد/ خواجه چون دیدش فتنده همچین/ برجهید و زد کله را بر زمین/ چون بدین رنگ و بدین حالش بدید/ خواجه در جست و گریبان را درید». (همان: ۷۸)

با شنیدن این خبر، طوطی به خود لرزید و در میان قفس جان داد. خواجه با دیدن این وضعیت، گریبان درید و کلاه خود را بر زمین زد. شروع کرد به نالیدن و اظهار پشیمانی کردن. از اوصاف نیک طوطی می‌گفت و زبان خود را ملامت می‌کرد که زبان هم گنج بی‌پایان هست و هم آتشی برای سوختاندن خرمن.

بازرگان پس از گریه و زاری، دروازه‌ی قفس

را گشود تا جسد طوطی را بیرون اندازد. «بعد از آنش از قفس بیرون فکند/ طوطیک پرید تا شاخ بلند/ طوطی مرده چنان پرواز کرد/ کآفتاب شرق ترکی تاز کرد». (همان: ۸۳)

خواجه با دیدن این صحنه در حیرت فروماند. رو به سوی طوطی کرد و گفت، مرا از سر این کارت آگاه کن و بگو که آن طوطی در هندوستان به تو چه آموخت که تو در این جا آن را به کار بستی. «خواجه حیران گشت اندر کار مرغ/ بی خبر ناگه بدید اسرار مرغ/ روی بالا کرد و گفت ای عندلیب/ از بیان حال خودمان ده نصیب/ او چه کرد آنجا که تو آموختی/ ساختی مکرری و ما را سوختی». (همان: ۸۳)

طوطی در جواب گفت: «گفت طوطی کاو به فعلم پند داد/ که رها کن لطف آواز و وداد/ زآنکه آواز تو را در بند کرد/ خویشتن مرده بی این پند کرد/ یعنی ای مطرب شده با عام و خاص/ مرده شو چون من که تا بایی خلاص/ دانه باشی مرغکانت برچینند/ غنچه باشی کودکانت برکنند». (همان: ۸۳-۸۴)

طوطی در جواب بازرگان گفت، طوطی هندوستان با رفتار خود مرا پند داد که تو را مردم به خاطر آواز خوشت در قفس نگاه داشته است. راه رهایی از این قفس، این است که خودت را مرده وانمود کنی تا آزاد شوی. تا وقتی دانه باشی، مرغان تو را می‌چینند و تا هنگامی غنچه باشی، کودکان تو را از شاخه جدا می‌کنند.

ترکیب فیلم «بودا از شرم فروریخت» و حکایت طوطی و بازرگان، فضای داستانی بوف کورگونه را می‌سازد. در زمان بوف کور صادق هدایت نیز فضای داستانی دوگونه است. بخشی تاریخی و بخشی پیشاتاریخی. یا بخشی معاصر و بخشی مربوط تاریخ کهن. از حوادث گرفته تا مکان‌ها و شخصیت‌های داستانی مربوط همین دو فضای داستانی می‌شود. اما در مجموع، یک کلیت واحد و به هم پیوسته را روایت می‌کند.

از ترکیب فیلم بودا از شرم فروریخت و حکایت طوطی و بازرگان نیز چنین فضای ساخته می‌شود. فیلم یک واقعیت تاریخی - منفجر ساختن تمثال‌های بودا توسط طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی - و وضعیت اجتماعی افغانستان را روایت می‌کند. حال آن که داستان طوطی و بازرگان، در یک فضای سوررئال اتفاق می‌افتد و زمان تاریخی آن مشخص نیست.

از طرفی، مولوی این حکایت را در قرن هفتم هجری سروده است و فیلم در اواخر قرن چهاردهم هجری ساخته شده است و وضعیت همان دوره را انعکاس می‌دهد. فیلم، نگاه طنزآمیزی است به سنت ستبر استبداد و تبعیض در جامعه‌ی افغانی که توحش این بلاهت، با منفجر ساختن تندیس‌های بودای بامیان، به نمایش گذاشته می‌شود.

فیلم پهلوهایی متفاوت دارد. زندگی کودکان افغان و به ویژه مناطق مرکزی را از زاویه‌های گوناگون واکاوی می‌کند. فقر، بی‌سوادی، تبعیض، دوری دختران از مکتب، کودکان آزاری، به خصوص در حصه‌ی دختران و مسائل دیگر فرهنگی-اجتماعی از بدیهیات این فیلم است که هر بیننده‌ی غیر حرفه‌ای آن را به سادگی می‌فهمد.

در این فیلم، دیالوگ قسمت آخر آن که بین بختی و عباس اتفاق می‌افتد، شباهت تام دارد با کاری که طوطی در مرغزار هندوستان انجام می‌دهد تا همچون در بندش نجات پیدا کند. عباس نیز خودش را مرده می‌اندازد تا از جنگ کودکان ولگرد نجات یابد و همین توصیه را برای بختی نیز می‌کند. بختی نیز مانند طوطی در قفس بازرگان، بر زمین می‌خوابد تا رهایی یابد.

در کنار بختی، مردانی مشغول خرمن کوبیدن اند که در قبال آزار و اذیت بختی بی‌تفاوت اند. این در حقیقت همان روح جمعی جامعه است که در قبال کودک‌آزاری و اتفاقاتی ناگوار در جامعه بی‌تفاوت است. این بی‌تفاوتی، ریشه در فرهنگی دارد که آکنده از جنگ و خشونت است.

بختی و عباس، طوطیان عصر بلاهت و شرمندگی عقل در برابر بی‌عقلی است. عصری که توحش در تمام ساحات زندگی افغان‌ها ریشه دوانده و حاکمان قبیله‌ای با توجیه و ردای دینی، هستی بالفعل و تاریخی این سرزمین را نابود می‌کند. طبق روایت فیلم، فروریزی بودا، از شرمندگی وضعیت پیرامونش است که در آن انسانیت مرده است و بختی و عباس، راویان این عصر بلاهت و قحطی انسانیت‌اند.

گرچند مولوی در پایان حکایت نتیجه‌گیری صوفیانه‌ی خود را دارد که طوطی همان جان آدمی است که از قفس تن باید رها گردد. اما پیام اجتماعی تظاهر به مردن طوطی، عباس و بختی، گویایی این واقعیت نیز است که در جامعه تا وقتی انسان‌ها پویا و متحرک باشند، مورد اذیت قرار می‌گیرند و زندان و آوارگی پادشاه پویایی‌شان است. ولی وقتی دست از مبارزه بردارد و تبدیل به مرده‌ی متحرک شود، کسی غرض‌دارشان نیست. حتا مورد تفقد و دل‌جویی نیز قرار می‌دهد.



فروشگاه F45

افتتاح شد!



سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info